



سازمان کارگران انقلاب ایران - تهران

پیام کارگر

شماره ۱۸
The Black Panther
۱۳۶۷

بهامداد ۲۰ بهار

ارگان کمیته خارج ز کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سال اول نیمه دوم فروردین ۱۳۶۷

بن - آلمان فدرال
بقیه در صفحه ۳

تظاهرات بزرگ ۹ آوریل



حزب "کمونیست" کومه له

و فعالیت دمکراتیک در خارج از کشور

جنبش دموکراتیک در خارج از کشور به مثابه جزئی از جنبش عمومی دموکراتیک و ضدا مپریالیستی مردم ایران طبعاً نمی‌تواند علیرغم پاره‌ای ویژگیهای مربوط به شرایط مبارزه در خارج و ترکیب طبقاتی نیروها و نیز خطت دفاعی و افشاگرآن، دارای اهداف جداگانه ای باشد. این جنبش نیز مشتمل جنبش دموکراتیک و ضدا مپریالیستی دارای مضمون سوزنا - دموکراتیک بوده و اساساً از نقطه نظر کمونیستها بعنوان وسیله‌ای برای فراهم نمودن شرایط هرچه مناسب‌تر برای مبارزه سوسیالیستی کارگران در راستای همونی طبقه کارگر و کسب قدرت سیاسی تلقی می‌شود. از این روم ضمن شرکت فعال در آن همیشه از در هم آمیختن مطالبات

نشریه "رسانه" نشریه خبری کمیته خارج از کشور حزب "کمونیست" کومه له در شماره ۵۲ - ۵۱ خود گزارشی از گردهمایی فعالین سابق کنگره - راسیون راه همراه مروری بر سخنرانی غلام کشار و زمانه کمیته خارج حزب مزبور درج نموده است. در بخشی از این سخنرانی طرح اولیسه پلاتفرمی آمده است که به اعتقاد حزب "کمونیست" می‌بایست مبنای بسیج و سازماندهی یک جنبش توده‌ای دموکراتیک در خارج از کشور قرار داده شود. قبل از اینکه طرح مزبور را بررسی کنیم، لازم است ابتدا در مورد جایگاه جنبش دموکراتیک در خارج از کشور و ماهیت و اهداف آن کمی مکت کنیم.

گوشنبرگ - سوئد
استرداد دیک خانوادها ایرانی

روز جمعه ۱۸ مارس گروهی از ایرانیان مهاجر در کلیسای "اسمیرنا" در شهر گوشنبرگ در اعتراض به تصمیم دولت سوئد مبنی بر پس فرستادن یک خانواده چهار نفره به ایران دست به تحصن و اعتصاب غذا زدند. خانواده بخت برگشته که پس از دو سال اشتغال روز بیست و نهم ۱۷ مارس توسط پلیس دستگیر و تماماً با بد رفتاری زندانی شده بودند، علیرغم فعالیت جلوگیری ایرانیان، از اعتصاب غذا گرفته تا مهوتلگراف به دولت سوئد و مراجع حقوق بشر و علیرغم غیر قانونی بودن این اقدام ضد بشری، از طریق فرودگاه لندن به ایران برگردانده شدند.
بقیه در صفحه ۲

برلین غربی:
تظاهرات بزرگ نیروهای سیاسی
و ایرانیان مهاجر علیه جنگ

جنگ طناب پوسیده فقها

خبرها همه حاکی از آنست که دامه موثک باران شهرها و کشتار مردم، تا شیرات خود را در تمام حوزه‌های مختلف جامعه و حرکت چرخهای آن بجا می‌گذارد. کوچ مردم تهران و شهرهای کوچک و بزرگ به اطراف که در سطح وسیعی انجام می‌گیرد اگر زمان نسبتاً بلند طول بکشد، برای مملکتی که همه چیزش در تهران و چند شهر معدود دیگر خلاصه می‌شود، قابل تحمل نخواهد بود. علائم این آشفتگی هم اکنون در سازمانهای داری، کارخانه‌ها و بخصوص آموزش و پرورش ظاهر شده است. کوچ مردم و ترس آنها از فرستادن جگر گوشه‌هایشان به مدرسه، باعث شده که حکومت تعطیل مدارس و آموزشگاههای شهرها را که در تیررس موثک قرار دارند را بپذیرد و ترتیب درس خواندن محصلین در نواحی دورا ز دسترس موثکها و شهرها می‌مورد انتخاب خود مردم را مطرح نماید. این تعطیل و بهم خوردن نظم آموزش و پرورش تازه از اولین علائم از هم کسختگیها است که در شرازه جامعه پیش آمده. علاوه بر این تغییر مکان مردم در کشوری که کمبود کالاهای اساسی و گران‌بایک خصیصه همیشه آنست چندان مسئله ساده‌ای نیست. افزایش نجومی قیمت‌ها که با بنروزها از آنها می‌شنویم خاطر اگان جمهوری را هم آشفته می‌ازد. بی‌سبب نیست که این بار دولت و بطور مشخص وزیر کشور از مسئولین شهرستانها خواست که با میهمانانی که از شهرهای دیگر کوچ کرده اند بخوبی رفتار کنند و امکانات در اختیارشان قرار دهند. بی‌راستی که در هیچ‌زمانی مردم اینچنین تحت فشار مستقیم جنگ قرار نداشتند و بی‌شک هیچ‌زمان هم خشم و نفرت آنها از عاملین این جنایت‌ها تا این حد متراکم نبوده است. امری که تا شیر خود را در کم و کیف اوضاع مملکت و رابطه مردم با حکومت فقها بسوز خواهد داد.

در جنبش شرایطی فقها با زهم بر طبل جنگ
بقیه در صفحه ۲

انقلاب نیکاراگوئه و وضعیت جدید

بقیه در صفحه ۵

تظاهرات عید پاک

بقیه در صفحه ۱۴

مصاحبه با

یک هنر مند

بقیه در صفحه ۲

جنگ، طناب پوسیده فقها

فرانسه - پاریس

ایرانیان مشرقی علیه جنگ افشگری کردند.

ادامه از صفحه ۱

پس از شروع جنگ شهرها و موشک باران شهرهای ایران و عراق و کشته شدن هزاران تن از مردم میدان و کشور که قربانی این جنگ ارتجاعی هستند، نیروهای مرفعی ایرانی و تعدادی از ایرانیان مبارز در پاریس برای افشاکاری علیه این جنگ ارتجاعی و شکستن توطئه سکوتی که در فرانسه در مقابل این فجایع صورت می گیرد، جلب افکار عمومی مردم فرانسه و نهاد های بین المللی کمیته ضد جنگ ایران و عراق را تشکیل دادند.

کمیته چهار رزیم را محور تبلیغات خود قرار داد. ۱- مرکز برجنگ ارتجاعی ایران و عراق ۲- فروش اسلحه از جانب هر کشوری به دو کشور ایران و عراق محکوم است! ۳- بمباران شهرها و کشتار مردم غیرنظامی محکوم است! ۴- سرنگون باد رژیم ارتجاعی حاکم بر ایران - زنده باد صلح این کمیته تاکنون سناکسیون انجام داد باست که عبارتند از:

۱- نمایشگاه عکس و پخش تراکت و اعلامیه در دانشگاه ژوسو. ۲- تجمع تریب ۷۰ تن از ایرانیان مبارز در مقابل یونسکو (سازمان ملل) و پخش تراکت بزبان فرانسوی و همچنین دادن نامه اعتراضی این کمیته به مقامات یونسکو و مخبره آن به ژنو (در ۲۱ مارس ۸۸).

۳- گرد هم آیی قریب ۶۰ تن از هموطنان مقابل صلیب سرخ و پخش تراکت و همچنین آویزان کردن پلاکارد به زبان فرانسوی که چهار شعار فوق روی آنها نوشته شده بود. در ضمن هیئتی از طرف کمیته مسئولین صلیب سرخ ملاقات کرد و نامه اعتراضی این کمیته ارائه دادند. (در ۲۲ مارس ۸۸)

آنچه که در این رابطه شایان توجه و مایه تاسف است برخورد فرقه گرایان و عدم توجه به پرسش های کسب و کار و مکرانیک و جمعیت است که از جانب برخی از نیروهای سیاسی مشاهده شد. تعدادی از نیروها بدلیل اینکه شعار "سرنگون باد رژیم ارتجاعی حاکم بر ایران - زنده باد صلح" را قبول نداشتند، طیف غم شرکتشان در رای گیری، بعد از افتادن در موضع اقلیت از هر گونه همکاری سرباز زدند.



دادن باکا ز می همانا ما ما جرابه مین جا ختم نمی شود. دیگر این جنگ طلبان در سرا سر اعلام صدامی را نمی یابند که حتی در سرا بر فاجعه بمباران شیمیایی توسط عراق جانب آنها را بگیرد. حتی در این مورد هم آنها نتوانستند با شک تسماع خود را از انزوی مطلق در سطح جهان بیرون آورند، نه سازمان ملل و نه هیچ کشور ما حب نفوذی حاضر نشد در رسمیت فقهای جنگ طلب جای گیرد.

اگر مدتها بود که بین است جنگ چون منگنه ای رژیم را در خود می فشرد، از هم اکنون با چشم غیر مسلح نیز میتوان چشم انداز تنبیرات جسدی در توازن قوا بفرز رقعه را دید. این وضعیت بخصوص در دوره ای که بحرانهای حکومتی حادی نیز مطرح است، کنترل اوضاع را بیش از هر زمان مشکل تر کرده است. اما فقهای حاکم تا کجا و به چه میزان امکان دارند که هنوز به طناب پوسیده جنگ آویزان باشند؟

می گویند ما اینهمه واقعیتی است که هیچ زمانه صدای آنها لحنی چنین در مانده و ضعیف نداشتند است. این مدارها و هیاهو شمعات دلخواه خود را نمی یابند و دیگر جز عجزا شکار نما یی ندارند. رژیم آنچنان در میان افکار مردم جهان بی اعتبار و منزوی شده که در زمان فاجعه آفرینی طرف مقابل هم تنها مانده است. جنگ شهرها و جنگ نفتکشها عملا جبهه زمین را تحت الشعاع خود قرار داده است و در هر دو این عرصه ها فقها از موضع ضعف و درماندگی عمل کرده و این دشمن آنهاست که ابتر کار عمل را در دست دارد. در جبهه های زمینی که روزگاری عملیات، با هدف فتح کربلا را جا می زدند و اکنون به حملات موضعی دلخوش می کنند نیز نه تنها دست آورد قابل عرضه ای نمی یابند، بلکه با ضحله شیمیایی که کشتار جمعی پراهمی اندازد و برومی شوند، اگر حلبچه را اشغال می کنند، چه سود، چون ماندن و مستقر شدن در آن همان و سوختن و جسان

عوا مفریبی رفسنجانی

هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی، رئیس شورای عالی دفاع و فرمانده قرارگاه مخاتل لیبیا و... از روسای مجالس جهان برای قضاوت و داوری در مورد جنایات دولت عراق در حلبچه عوت بعمل آورد. وی در قسمتی از نامه خود اظهار کرد ما ست که "در تاریخ سراغ نداد که حکومتی مردم خودشان را در لحظه ای که دنیا زنده لجوی دارند اینگونه سبانه و بیرحمانه خاک و خون بگشند و..."

رفسنجانی جنایتکار کشتار ۹ ساله خلق کرد در ایران و نمونه هایی از سببیت رژیم اسلامی از جمله قتل عام قارنا، قلاتن و... را فراموش کرد ما ست. شاید هم مردم کردستان ایران را مردم خود نمی دانند!

ادامه از صفحه ۱

استرداد دیک

پلیس از فرودگاه ایرانیا معترض را که با حمایت طیب سرخ و چند ساله دیگر سوودی قصد جلوگیری از اخراج خانواده پناهنده را داشتند با فرستادن نیروهای فدشورش و سگهای پلیس محاصره نمودند و از حرکت آنان جلوگیری کرد.

(طبق قانون اساسی سوئد، پس فرستادن اتباع کشورها می که در حال جنگ هستند ممنوع است.)

تظاهرات بزرگ ۹ آوریل

مبارزه‌ها دامه می‌یابد.

تظاهرات نزدیک به دوهزار پناهنده ایرانی در شهر بون آلمان غربی در ۹ آوریل و در اعتراض به سیاست‌های ضدپناهنده‌گی دولت آلمان نشان داد که کوشش‌های احزاب دست راستی و افراطی مرتجعی چون سیمرن، وزیر دادگله کشور آلمان، بی‌بسیاری می‌مانند!

بدنیا ل فراخوان شمار زیادی از کارکنان پناهنده‌گی، که اطلاعیه آن در شماره گذشته همین نشریه درج گردید، تظاهرات با شکوهی با شرکت مهاجرین ایرانی که از شهرهای مختلف در شهر بون کرده‌اند بودند برگزار شد. تظاهرات کنندگان با شعارهای "قطع ردی"، "قطع استرداد"، "استرداد پناهنده‌گان یک جنایت است"، "فراپناهنده‌گان را علیه تضییقات دولت آلمان که در ماه‌های اخیر تشدید شده است بگوش مردم آلمان بکشور رسانند"، "راهیما یا نه همچنین با شعارهای علیه جنگ ایران و عراق، کشتار مردم و مویش با ران شهرها را محکوم کردند.



قطعنامه تظاهرات ۹ آوریل پناهنده‌گان

"ما به طلب خاطر جلای وطن نکرده ایم و وطن دیگری اختیار نمی‌کنیم!"

هموطنان پناهنده، انسانهای آزاده!

در شرایطی که مردم کشور، سخت‌ترین دوران زندگی خود را تحت حاکمیت رژیم وحشت و فحشاء اسلامی می‌گذرانند و هزاران تن از فرزندان این مرز و بوم در مخالفت با این شرایط با اعدای مویش در مبارزات حکام وقت قرار دارند.

در شرایطی که جنگ ارتجاعی هشت ساله اشرار و زیان آور خود را بر تمام جنبه‌های زندگی مردم برجای گذاشته است.

در شرایطی که کارگران، کارمندان، دهقانان و دیگر زحمتکشان جامعه در زیر فشارهای اقتصادی و سیاسی کمر خورده‌اند.

در شرایطی که حقوق زنان جامعه، بیش از هر زمان دیگر مورد تجاوز قرار گرفته است.

در شرایطی که پدران و مادران در سوگ حکمگوشگان خود نشسته و در غم بی‌آیندگی فرزندان نشان بر می‌برند.

در شرایطی که آزادی و دمکراسی در کشورمان معنائی ندارد.

در شرایطی که مزدوران جمهوری اسلامی حتی بیرون از مرزهای کشور به ترور و سرکوب پناهنده‌گان و مخالفین خود می‌پردازند.

در شرایطی که کشورهای میزبان به بیانه‌های واهی به تقاضای پناهنده‌گان پرداخته و شرایط غیر انسانی را برای آنان بوجود می‌آورده‌اند.

و بالاخره در شرایطی که خطرات استرداد دجان متقاضیان پناهنده‌گی از جمله متقاضیان ایرانی، را بطور جدی تهدید می‌کنند و تاکنون نیز قربانیان در این رابطه وجود داشته است.

"ما مسرانه‌ها را خواسته‌های زیر می‌باشیم."

— ما خواهان برسمیت شناختن همه متقاضیان پناهنده‌گی از تمام کشورهای و برخورداری آنان از حقوقی مساوی یک شهروند (حق کار، مسکن، مسافرت، رای...) هستیم.

— تلافی پناهنده‌گان گلپه کشورها را برای گرفتن حقوق حقه و انسانیتشان مورد حمایت خود می‌دانیم.

— ما خواهان لغو و قید و شرط استرداد دکلیه پناهنده‌گان از جانب دولت آلمان فدرال هستیم.

— ما خواهان کنش پناهنده‌گان در "فردریش" از جانب دولت آلمان شرقی هستیم.

— ما خواهان پذیرش و برسمیت شناختن کلیه پناهنده‌گان از سوی دولت‌های عضو کنوانسیون ژنو می‌باشیم.

— ما خواهان پذیرش و رسیدگی به وضعیت پناهنده‌گان ایرانی در ترکیه، پاکستان، عراق و دیگر کشورهای عربی از طرف UN هستیم.

— ما خواهان قطع فوری و بدون قید و شرط جنگ ارتجاعی ایران و عراق می‌باشیم.

— ما صدورها از جانب تمام دولت‌ها را محکوم نموده و خواهان قطع آن هستیم.

— پناهنده‌گان امنیت حائمی می‌خواهند. خواهان تعطیل نمودن خانه‌های ترور جمهوری اسلامی هستیم.

— ما خواهان ارسال هستی جهت بررسی جنایات جمهوری اسلامی در زندانهای ایران می‌باشیم.

استقبال نزدیک به دوهزار پناهنده ایرانی از این فراخوان نشان می‌دهد که توان بالایی در میان پناهنده‌گان برای مقابله با فشارها و دفاع از حقوق دمکراتیک خود وجود دارد. این حرکت همچنین نشان می‌دهد که علیرغم مشکلات زیاده‌بهران‌های درونی کارکنان، اگرچه مشکلات واقعی و شعارهای مشخص توجه شود، حمایت پناهنده‌گان را به همراه خواهد داشت. البته در جریان تدارک و انجام این حرکت شیوه‌های فرقه‌گرایانه و غیر مسئولانه نسبت به منافع توده پناهنده‌گان که از طرف بعضی کارکنان مثل کمیته دفاع فرا تکفورت بخشی از کارکنان پناهنده‌گان آخن و کارکنان شهر کاسل پیش گرفته شده همبستگی درونی این حرکت مدینه زدگی می‌باید از طرف پناهنده‌گان و فعالین کارکنان محکوم شود.

علیرغم موفقیت تظاهرات ۹ آوریل نباید فراموش کنیم که از یک حرکت نشانی چیزی دیده‌است نمی‌آید، و این مورد را باید فقط بعنوان نقطه شروع تلقی کنیم، زیرا اولاً هنوز حرف ما بقدر کافی به میان مردم این کشور نرفته و هنوز اکثریت مردم از قوانین جدیدی که علیه حقوق پناهنده‌گی وضع می‌شود خبر ندارند. ثانیاً جریان‌های سیاسی ضدحقوق پناهنده‌گی هنوز فشارها را به اندازه کافی احساس نکرده‌اند. بنا بر این به تلاشها نشان داده خواهد شد. به این خاطر ما هم نباید از دنبال کردن موضوع دست برداریم. این قضیه به سرشوت خلیه‌ها مربوط می‌شود.

فعالیت را با دیدار در نظر گرفتن نقطه ضعف اساسی دوره گذشته در عدم تمرکز کافی روی جنبه بین‌المللی، یعنی جلب احزاب و گروههای ترقی‌خواه و جذب حمایت فراکسیون‌های حزب‌یوآرمانی و تبلیغ در میان مردم عادی بوده‌است. ما باید این اصل اساسی را مدنظر قرار دهیم که "مبارزه مهاجر" بدون جلب حمایت مردم بومی‌ها زمانه‌های آنها به هیچ‌کجا نمی‌رسد. ما نباید در خلا فریاد بقیه در صفحه ۱۱

ترجمه کامل قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت

قابل توجه واحدها و فعالین سازمان:

قطعنامه ۵۹۸ (۱۹۸۷)

در اجلاس ۲۷۵۰ شورای امنیت به تاریخ ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷ به تصویب رسید ماست:

شورای امنیت با تأیید مجدد قطعنامه شماره ۵۸۲ (۱۹۸۶)، و با وجود توصیه‌هایی که برای آتش بس کرد است، هنوز جنگ بین ایران و عراق بدون آن که تخفیفی پیدا کند، ادامه دارد و زیان‌های سنگین جانی و مالی به بار می‌آورد. شورای امنیت از ادامه این جنگ عمیقاً نگران است.

با توجه به تأزید و ادامه این جنگ، همچنین بمباران مراکز صحرانامسکونی، حمله به کشتی‌های بی‌طرف یا هواپیماهای مسافربری، نقض حقوق بشرو سایر قوانین بین‌المللی مربوط به جنگ، های مسلحانه و به ویژه کاربرد اسلحه شیمیایی برخلاف عهد نامه ۱۹۲۵ ژنو، این نگرانی را عمیق‌تر می‌سازد که امتناع این جنگ گسترش بیشتری پیدا کند.

از این رو شورای امنیت تصمیم جدی گرفته است که رگبری نظامی میان ایران و عراق را پایان بخشد. شورای امنیت متقاعد شد ماست که بین ایران و عراق باید یک غلام جامع، عادلانه، شرافتمندانه و پایدار ایجاد شود.

با یادآوری پیش‌بینی‌هایی که در منشور سازمان ملل متحد شد ماست - به ویژه در بخش‌های کلیه کشورهای عضو موظف می‌سازد تا اختلافات خود را با روش‌های صلحجویانه، به طریق حل و فصل کنند که صلح، امنیت و عدالت بین‌المللی مورد خنثی‌تر نگردد، شورای امنیت معتقد است که ایران و عراق با شروع و ادامه جنگ، مقررات صلحجویانه هم‌گورا نقض کرده‌اند. و از این روطبق مواد ۳۹ و ۴۰ منشور سازمان ملل متحد،

۱- شورای امنیت مقرر می‌دارد که به عنوان نخستین گام برای پایان بخشیدن به خصامه، ایران و عراق یک آتش بس فوری اعلام کنند و به کلیه عملیات نظامی در زمین، در ریا و در هوا پایان دهند و نیروهای خود را بی‌درنگ به رزهای شناخته شده بین‌المللی عقب بکشند.

۲- شورای امنیت از بی‌رکل سازمان ملل متحد می‌خواهد که از سوی آن سازمان یک گروه ناظر به منطقه - به ایزام دارد تا جریان آتش بس را ملاحظه و بررسی کرده و آن را تأیید کند، ترتیب عقب نشینی نیروهای طرفین به رزهای بین‌المللی را بد هند و ترتیب اجرای آنچه را که بی‌رکل سازمان ملل متحد پس از مشورت با طرفین در رگبری برای عملی ساختن مفاد این قطعنامه لازم می‌داند، بد هند و گزارش اقدامات خود را به شورای امنیت تسلیم کنند.

۳- شورای امنیت تأکید می‌کند که بر اساس کنوانسیون سوم ژنو (۱۲ اوت ۱۹۴۹)، پس از قطع اقدامات خصومت‌آمیز، اسرای جنگی بی‌درنگ آزاد گردند و به کشورهای خود باز فرستاده شوند.

۴- شورای امنیت ایران و عراق را دعوت می‌کند که با توجه به اصولی که در منشور سازمان ملل متحد مصرح است، برای اجرای این قطعنامه با بی‌رکل سازمان ملل متحد همکاری کنند تا توافق عادلانه و شرافتمندانه مورد قبول هر دو طرف در تمام موارد اختلاف حاصل شود.

۵- شورای امنیت از کلیه اعضای دیگر سازمان ملل متحد می‌خواهد که هرگونه اقدامی را که ممکن است منجر به گسترش دامنه اختلاف بین دو کشور مذکور گردد، فوراً متوقف کنند و با این اقدام راه برای اجرای این قطعنامه هموار سازند.

۶- شورای امنیت از بی‌رکل سازمان ملل متحد می‌خواهد که با مذاکره با ایران و عراق برای واگسنداری تحقیقات به یک هیأت بی‌طرف، در مورد مسئولیت آغاز خصامه کاوش کند و نتیجه بررسی در این باب را هر چه زود تر به صورت گزارشی به شورای امنیت تسلیم نماید.

۷- شورای امنیت از خسارات عظیمی که طی دوره جنگ وارد آمد ماست و از نیا زنده‌فعلیتهای بازسازی با همیاری شایسته سازمان‌های بین‌المللی، آگاهی دارد و از بی‌رکل سازمان ملل متحد می‌خواهد که به بی‌درنگ پس از پایان خصامه یک هیأت کارشناس به منطقه اعزام دارد تا نیا زهای بازسازی در دو کشور را بررسی کرده و گزارش خود را به شورای امنیت تسلیم دارد.

۸- شورای امنیت از بی‌رکل سازمان ملل متحد درخواست دارد که با مشورت با ایران و عراق و با دیگر کشورهای منطقه، اقداماتی را که موجب استقرار امنیت و ثبات در منطقه خواهد شد، مورد بررسی قرار دهد.

۹- شورای امنیت از بی‌رکل سازمان ملل متحد می‌خواهد که شورای امنیت را در جریان اجرای مواد این قطعنامه قرار دهد.

۱۰- شورای امنیت در صورتی که لازم شود به تشکیل اجلاس مجدد می‌باید درت خواهد کرد تا تصمیمات مقتضی دیگر برای اجرای این قطعنامه اتخاذ کند.

مطابق رهنمود سر مقاله پیام کارگر شماره ۱۶ در مورد مبارزه برای ختم جنگ ارتجاعی ایران و عراق، لازم است که بصورت مشروط خواهان اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت در مورد جنگ ایران و عراق شویم و این سیاست را در کمیته‌های اقدام واکسیونهای ضد جنگ مطرح کنیم. لذا متن قطعنامه ۵۹۸ جهت اطلاع از آن در این شماره درج می‌گردد.

کاناتا - تظاهرات ضد جنگ

● چهارشنبه ۱۳ مارس بد نبال جنایات باور نکردنی رژیمهای ارتجاعی ایران و عراق در بمباران شهرها و مناطق غیر نظامی و اسفاد مازیمهای شیمیایی، دانشجویان ایرانی دانشگاه کنکور یا در مونتترال یک تظاهرات موضعی در مقابل درهای ورودی این دانشگاه ترتیب دادند. این حرکت بین مردم و مطبوعات و راد یوتلویزیون مونتترال انعکاس قابل توجهی داشت.

گرچه این تظاهرات بعنوان یکی از اولین حرکت‌های مسئولانه دانشجویان دانشگاه کنکور یا در مقابل مسائل ایران قدم مثبتی محسوب می‌شود، باید به این نکته توجه داشت که دانشجویان می‌توانستند با ارتباط با توده‌های پناهنده و دیگر ایرانیان مترقی و مکررات و نیروهای صلح طلب مقیم مونتترال به بیشتری را به این حرکت اعتراضی جلب کنند.

● چهارشنبه ۲۳ مارس بد عوت کمیته‌ای که اخیراً با هدف برگزاری یک سری حرکات اعتراضی علیه جنگ و مخصوصاً "جنگ شهرها"، از میان پناهنده‌گان ایرانی مقیم مونتترال و هواداران نیروهای مترقی و مردمی تشکیل شد ماست، یک تظاهرات خیابانی در خیابان‌های پررفت و آمد مونتترال برگزار شد. این دعوت با استقبال صد ها نفر از ایرانیان مقیم مونتترال مواجه شد، برگزارکنندگان این تظاهرات با بکار جالبی از سمبلهای سیاه رژیم جمهوری اسلامی که به جز مرگ و نابودی منابع انسانی و مادی برای ملت ایران در بر نداشتند، استفاده کردند. تظاهرات کنندگان بعد از طی خیابانهای پررفت و آمد با شعارهایی علیه جنگ، علیه جنگ شهرها، علیه اسفاد مازیمهای شیمیایی و حکومت در رژیم ایران و عراق در مقابل دفتر روزنامه Gazette، که یکی از روزنامه‌های است که در مقابل نجایعی که در ایران می‌گذرد مدت‌هاست سکوت اختیار کرد، با قرائت قطعنامه خود به تظاهرات پایان دادند. این کمیته که با نام "جمعیت ایرانیان در تبعید" کار می‌کند در نظر دارد در جلب افکار عمومی مردم کاناتا برای حمایت از مردم ایران و عراق و محکوم نمودن رژیمهای ایران و کشور، به فعالیت‌های دیگری دست بزند.

انقلاب نیکاراگوئه و وضعیت جدید



سربازان ساندینیست

امضای قرارداد اولیه صلح در دهکده مسرزی ساپوا از سوی دولت نیکاراگوئه و فدا انقلابیون کنترا در تاریخ ۲۴ مارس، نقطه عطفی در روند فدا قدامتسی است که در جارجوب طرح صلح کنترا ریکا از سال گذشته آغاز شده است. بر مبنای قرارداد ساپوا که متن آن بلافاصله منتشر شده است، از تاریخ اول ماه آوریل آتش بس شصت روزه ای آغاز می شود که در حین آن نیروهای کنترا در مناطق معینی در خاک نیکاراگوئه مستقر شده و بلافاصله با انتخاب نمایندگان خود در مذاکراتی شرکت خواهند نمود که بنسبام مذاکرات آشتی ملی شناخته شده و هم اکنون بین دولت و احزاب اپوزیسیون در جریان است. متعاقب این مذاکرات و پس از امضای قرارداد قطعی آتش بس، کنترا اسلحه خود را زمین گذاشته و به "زندگی سیاسی" مسمولت آمیز که از طریق برسمت شناخته شدن حقوق احزاب اپوزیسیون شرایط آن مهیا می شود می پیوند د.

آنچه که در مورد تحولات اخیر نیکاراگوئه بویژه مرحسته است، چالاکي دیپلماتی دولت ساندینیست می باشد که خط روشن معینی را با نروش وزیرکی به پیش می برد. این خط کدام است و دلایل انحطاف دولت ساندینیستی چیست؟ برای بررسی سوالات فوق، ضروری است بطور فشرده و سرباره ای از حوه روند پیشرفت انقلاب نیکاراگوئه و مشکلات این انقلاب مروری داشته باشیم. انقلاب نیکاراگوئه بعنوان انقلابی خلقی با اهداف فدا میریالیستی و فدا سرباره ای از همان آغاز در اشتلاف بسبب نیروهای صورت گرفت که بعنوان حربا نسات لیبرال و لیبرال - دمکرات، خواهان برچیدن دیکتاتوری سوموزا و پایان دادن به شکل خفت - آروا بستگی سیاسی نیکاراگوئه و میریالیزم آمریکا بودند. این نیروها به علت سرخستگی دیکتاتوری که حاضر نموده "حقوق بشر" جیمی کارتر رئیس جمهور وقت آمریکا تن بدهد، بالاحیار به سوی اشتلاف ساندینیست را نده شده و حتی در مراحل اولیه شکل گیری دولت انقلابی نیز شرکت فعال داشته و از جمله در دولت ائتلافی نیز شرکت داشتند. پیشروی انقلاب و صراحت یافتن سمت گیری داخلی و بین المللی آن که با دوره تحکیم قدرت انقلابی و نهادهای سازماندهی شده ای ساندینست هم زمان بود، حیوانات لیبرال، کلیسای رسمی و لیکارشی سنتی دوران سوموزا را بسوی نزدیکی بیشتر نده و با روی کار آمدن راست نوین در آمریکا که سیاست پس زدن انقلاب در نیکاراگوئه، آنگولا، موزامبیک و... را قائلانده دنبال می کرد، سیاست امیریا لیزم آمریکا در مورد نیکاراگوئه نیز تغییر نمود. این سیاست که بر طبق ارزیابی حزب دمکرات از اوضاع داخلی و تعادل قوای طبقاتی دنبال می شود بر این اساس استوار بوده که بسبب دادن امتیازات گوناگون به دولت جوان نیکاراگوئه

روند را دستکازیده و انقلاب را تا حد ممکن کند کرده و با بیاری طلبیدن فعال سوسیال دمکراسی اروپا و استفاده از همکاری های درونی حبه آزادی بخش ساندینیست، به مروره نیروهای طرفدار سرما به داری امکان دهد که با تبدیل شدن به وزنه سیاسی و اجتماعی سنگینی، شرایط را برای تعرض در مراحل بعد فراهم کنند. استراتژی فوق اساسا نمی توانست در کوتاه مدت موفق باشد زیرا نیروهای انقلابی و جنبه در موضعی قرارداد شدند که بسبب هیچ وجه به نیروهای ارتجاع و لیبرال احساسه ایفای نقش جانیدار انقلاب و سبب طرف در قبال آن، آنهم در بحبوحه تحولات و اصلاحات اجتماعی وسیع و بعضا نسبتا عمیق چند سال اول انقلاب را نمی داد و سیاست دولت کارتر در بهترین حالت در درازمدت صورت تحقق می یافت که با حفظ پایه ای از مواضع اقتصادی بورژوازی، دولت نیکاراگوئه در مواضع منطقه ای و بین المللی خود ضمن داشتن موضع ترقیخواهانه، در مجموع بصورت بی طرف عمل نماید. موضع برتر نیروهای جنبه در دولت انقلابی و روند در نیکاراگوئه و اشتلاف موجب شده که اولاً زوشی جریانات لیبرال و ارتجاعی بسوی یکدیگر را نده شده در کنار هم ستون اصلی اپوزیسیون فدا تلاشی را تشکیل دهند و نیا دولت ریکان - که تا زه ما شعار خفه کردن دولت انقلابی نیکاراگوئه و "تجدید سلاح آمریکا" روی کار آمده بود - تا تشخیص شکست سیاست کارتر، برای بازگرداندن آراش به حیات خلوت آمریکا بسبب حمایت فعال از اپوزیسیون فدا تلاشی و خرابکاری و دخالت علنی در نیکاراگوئه روی آورده. اشتاد این

حزب "کمونیست" کومه له و فعالیت دموکراتیک در خارج از کشور

دموکراتیک و ما هیئت بورژوازی این جنبش —
خواست‌های سوسیالیستی و رنگ آمیزی "سوسیالیستی"
این خواسته‌ها پرهیز کرده و در عین حال برای تبدیل
شدن آن به جنبشی هر چه رادیکال تر و دموکراتیک تر
بیکار می‌کنیم .

سردرگمی در باره ما هیت طبقه‌ای این جنبش
و ترکیب اجتماعی مهاجرین ایرانی، که اغلب از
میان اقشار میانه شهری برخاسته اند و دارای
تمایلات عام دموکراتیک اند، سرچشمه نغیض و ضرورت
فعالیت دموکراتیک، نغیض خصلت بوده‌ای و فراگیر
اینگونه فعالیت‌ها و اداه‌ها سیاست مخرب فرقه —
گرائی است که جایگاه و شکل حزبی و اهداف آن را با
شکلهای دموکراتیک مخدوش می‌کند، این درک تا
کنون مانع از این شده که جنبش دموکراتیک در
خارج از کشور بتواند گام‌های قابل ملاحظه‌ای به
پیش بردارد . در نتیجه در شرایطی که جنبش توده‌ای
در داخل تحت سرکوب منظم فدا انقلاب اسلامی قرار
دارد، جنبش دموکراتیک خارج از کشور نتوانسته از
تمام ظرفیت‌های خود برای دفاع از آن و اقامت
جمهوری اسلامی سود ببرد .

طرح اولیه آقای کتای و رز برای بسیج و
سازماندهی یک جنبش توده‌ای دموکراتیک در خارج
از کشور، نمونه بارزی از چنین سردرگمی‌ها نشان
می‌دهد، درک این "حزب" از جایگاه این جنبش نیز
خاموشی همان تناقضات اساسی است که حزب مزبور به
لحاظ برنامه‌های و خط سیاسی — ایدئولوژیک خود
دارا می‌باشد، در ماده ۱ طرح اولیه چنین آمده
است: " — پشتیبانی و تقویت مبارزه برای
سرنوشت جمهوری اسلامی و دفاع از الف — دموکراسی
مستقیم و حاکمیت شورا ای در مقابل دولت بورژوازی
با رلمان و ارتش ... " (تاکید از ما ست)، آقای
کتای و رز دفاع از "حاکمیت شورا ای" را در صورتی
جنبش خارج قرار می‌دهد اما در این مورد سکوت
اختیار می‌کنند که "حاکمیت شورا ای" و دفاع از آن
اگر واقعاً بخواد مبنای بسیج یک جنبش توده‌ای
و دموکراتیک قرار گیرد، چنین جنبشی دیگر نمی
تواند یک جنبش دموکراتیک باشد! زیرا این
"حاکمیت" حتی توسط رادیکال ترین و انقلابی —
ترین نهفتگی‌های دموکراتیک نمی‌تواند عملی شود زیرا
آن حکومت شورایی که در برابر "دولت بورژوازی"
قرار دارد دیگر از نوع دولت های پرولتاری
است و خرده بورژوازی (آنهم از نوع مستقر شده در
خارج) ظرفیت دفاع از آن را ندارد .

این نوع دولت که مقدمه استقرار دیکتاتور
پرولتاریا است در شرایطی قابل تحقیق است که
رهبری طبقه کارگر با بدنیا ل کشیدن توده‌های
رادیکالی که بشیوه بیکیبر برای دموکراسی انقلابی
مبارزه می‌کنند، مرزهای یک تحول بورژوازی —
دموکراتیک را پشت سر گذاشته و به سمت سوسیالیسم
به پیش می‌رود .

شکته مهم‌تر اما اینجا است که کتای و رز بعنوان
یک سوسیال دموکرات خام که هنوز زولیده فکری
پیشین خود را کاملاً ز دست نداده است زیربنای
حکومت شورایی لیستی از درخواست‌های بورژوا
دموکراتیک قرار داده و آن را به یک شکل خالی از
محتوی تبدیل کرده است . در میان لیست این
درخواست‌ها که جنبش دفاعی خارج از کشور موظف به
دفاع از آنها شده حتی یک ماده وجود ندارد که روشن
کنند برای دفاع از "حاکمیت شورایی" که در برابر
دولت بورژوازی و پارتی رلمان قرار داده زکدام
شعار عملی مشخص باید دفاع کرد .

اگر حزب " کمونیست" واقعاً بخواد هدایت
حکومت شورایی و برای تقویت مبارزه‌ای که به
استقرار این حکومت منجر می‌شود دفاع کند، بهتر
است اهداف و وظائف حنسن حکومتی را بر شمرده و
جنبش دموکراتیک مفروض خود را به حمایت از آن
فرا خواند، اما چنین استظاری بیپوده است، مثلاً
بر طبق ماده ۲ طرح، دفاع از جنبش کارگری،
بشخصی از مطالبات کارگران، ننگینا شدن
(در کجا؟) هیچ خواست و مطالبه‌ای که علیه حقوق و
منافع کارگران باشد روشن نمی‌کنند که دست
مطالبات کارگران مورد نظر هستند، کنترل
کارگری یا حق اعتصاب و تجمع، آ — ح — ز ب
" کمونیست" کومه له اساساً در این مطالبات
پایبند است و در چنین صورتی چرا آنها را مطرح
مطرح نمی‌کند؟

واقعیت اینست که سکتا ریم و در هم ریختن
مرزهای درخواست‌های انتقالی و بورژوا
دموکراتیک پوششی رادیکال برای پنهان کردن
ماهیت لیبرالی و راست دیدگاه "حزب" کمونیست"
در مورد مضمون حکومت شورایی می‌باشد، این
حکومت از نظر آقای کتای و رز و همکاران او اساساً
همان حکومت بورژوا — دموکراتیک است که بر
مبنای سرنا مه حداقل پرولتاریا می‌تواند ایجاد
شود: " مطالبات سرنا مه حداقل حزب کمونیست
ایران به نظر ما مستلزم مناسبات و عمومی بسرای
شکلگیری و شکل دادن به چنین جنبشی (مقصد در
خارج از کشور) می‌باشد، " (نشریه فوق صفحه ۲۹)
اگر برنا مه حداقل مبنای مناسب و عمومی برای
شکل دادن به جنبش دموکراتیک در خارج از کشور
باشد که چنین است — آنگاه به توجه به مضمون
بورژوا — دموکراتیک برنا مه فوق، "حکومت
شورایی" مورد دفاع این جنبش چیزی به جز فرمول
کلاسیک سوسیال دموکراسی یعنی شوراها در
چارچوب تحول بورژوا — دموکراتیک نمی‌تواند
باشد، یعنی ایجاد چنین "حکومت شورایی"
بدون مبارزه برای خواسته‌های انتقالی برنا مه
پرولتاریا نیز نمی‌تواند تحقق یابد، بنا بر این
تناقض مذکور اساساً در طرح برنا مه حداقل این
"حزب" وجود دارد، کافئ است که آقای کتای و رز

با رلمان بورژوازی را منحل کرده و شکل دموکراتیک
ورزمنده‌ای از حکومت بورژوازی را با نام جعلی
شوراها برگزینند و براساس آن "کارگران آگسده"
یعنی حزب " کمونیست" را بنشانند، آنگاه
خواهد دید که حکومت فوق به جز از طریق فراتر
رفتن از دموکراسی بیکیبر و گام نهادن در
طریق سوسیالیسم نمی‌تواند چیزی بی — شرا
"یک حکومت مستقل از امپریالیسم و ملیستی"
(هما نجا صفحه ۲۸) باشد، شکوه و شکایت گزارشگر
نشریه رساله از "جریان راست" ملط در کمیته
سرگزارکننده سمینار کنفدراسیون نیز اساساً به
این دلیل است که این جریان برخلاف آقاسی
کتای و رز به تناقض میان محتوای بورژوا دموکراتیک
برنامه‌ها و شعارهای چپ آن بی برده اند و با زست
پیشگامانه خود به سوسیال دموکراسی‌های جوان
و نابالغ حزب " کمونیست" اندرز می‌دهند که
دست از این شعارها و ذهنیگریها بردارند و خود را
از این تناقضات رها کنند، گزارشگر نشریه رساله
و دست اندرکاران کمیته خارج حزب مزبور اگر
واقعاً به "راست" بودن جریان فوق باور داشتند
آنها در سیاست همکاری و ائتلاف خود با این
جریان دخالت داده و در مورد اغراض عدی شان
درنا دیده گرفتن میهن پرستی آنان — که
سابقه‌اش تا بدیرآنان پوشیده با شد — از خود
انتقاد می‌کردند، اما پرنسپ‌های حاکم بر
سیاست حزب "کمونیست" در مورد فعالیت
دموکراتیک در خارج از کشور دقیقاً با همین
اغراض و با چپ نمائی گاه به گاه مشخص می
شود .

در حقیقت حزب مزبور می‌خواهد که با تعویض
نام خواسته‌های دموکراتیک و با لفاظی در مورد
"نیروهای کارگری"، "خواسته‌های رادیکال
کارگری" و "چپ"، "دموکراسی شورایی"،
همچنان در مسیر انحطاط سوسیال دموکراتیک به
پیش رود، اما بعید است که بتواند زمان طولانی
تری از این استنکاف و ورزبده‌ها هر چیزی را با نام
واقعیت معرفی نمود!

از سوی دیگر ما با وجود ما هیت بورژوا
دمکراتیک "حکومت شورایی" مذکور، گنجنا نیدن
آن در برنا مه که ظاهراً رادیکال به آن داده خود
منبع یک گرایش سکتاریستی و چپ نمائی است
شده که با سازماندهی جنبش توده‌ای —
دموکراتیک منافی است دارد، در نظر بگیرید که طرح
این برنا مه که در واقع همان برنا مه انقلاب این
"حزب" می‌باشد که فرا دبا پذیرش آن به ضویست
آن در می‌آیند، هیچ هدف دیگری جز سازماندهی
حزبی مردم ندارد، بی علت نیست که در طرح
موجود هیچ اشاره‌ای به شکل سازماندهی
مهاجرین نیست و حتی مراحتاً اظهار داشته اند که

در پی سیاست "پیام کارگر" جهت آشنا کردن مهاجرین ایرانی با هنرهای ایران و شناسایی و شناسایی اجتماعی و ادبی پیشرو در خارج از کشور از طریق ارائه آثار و نظریات آنها، اینبار با یک هنرمند رشته موسیقی مقیم برلین غربی مصاحبه زیر انجام داد ما می آید سیروس ملکوتیان، نوازنده گیتار، که چند سالی است مقیم برلین غربی بود و در زمینه نوازندگی و ارائه آثار خوب هنری تلاش می کند، در این مصاحبه نقطه نظرات خود در مورد مسائل مختلف موسیقی ایرانی خصوصاً

وضعیت کنونی آن تحت حکومت سياه قها و چشم اندازهای آن را مطرح کرد ما است .
همانگونه که قبلاً نیز یاد آور شد ما می، ارائه این نظرات در صفحات "پیام کارگر" بمعنی قبول همه نکات آن از جانب ما نبود و از سوی دیگر لیل و بستگی سیاسی و یا تشکیلاتی مصاحبه شوندگان با سازمان ما نمی باشد .

هیئت تحریریه پیام کارگر

مصاحبه با

یک هنرمند

خوشحال خواهیم شد اگر اندکی در معرفی خود و کارهای هنری که در ایران انجام داده اید توضیحاتی بدهید .

آموختن نوازندگی گیتار را به گونه خود آموزی در سنین نوجوانی ام شروع نمودم، پس از چند سال به گارت ریس پرد اختم، طی همین دوران بود که به همراهی تدقیق آموخته هایم مدتی کوتاه نزد داریوش فراسیا بی تحصیل گیتار نمودم. فعالیت هنری ام در ایران محدود به مدت ریس و چند کنسرت می شود. سال ۷۹م آلمان شدم و تحصیل خود را در رشته تکنوازی گیتار، در مدرسه عالی موسیقی برلین نزد خانم ماریا ناسا نچزنیلی ادامه دادم. پس از اتمام تحصیل در سال ۸۴م رخود را متوجه آهنگسازی و کنسرت در صحنه های بین المللی نمودم. در سال ۸۷م اولین صفحه از مجموعه کارهایم را انتشار دادم.

آیا به نظر شما انقلاب بهمن و جنب و جوش فرهنگی و اجتماعی طی و بعد از انقلاب، تغییراتی را در برداخت موسیقی ایرانی موجب شد ما است ؟

از آنجائی که زندگی هنری در ایران در رنگهای تنصب و جاهلیت قرار دارد، دشواری توان به برررسی آثار این دوره برداخت، چه آنکه آثار بسیاری در این دوره ساخته شده اند، که امکان اجرا و بر روی صحنه آوردنشان ممکن نبود ما است. بنابراین هرگونه بررسی و تجزیه تحلیل موسیقی این دوره با دشواری های بسیار مواجه خواهد بود .

در اوایل قیام کمتر توجهی به مثلا هنرهای مردمی رفت. روشنفکران ما آنچنان میبوت مبارزه "ضد امپریالیستی" خنثی بودند که حاضر شدند برای دستیابی بدین توهم مظاهر آزادی و فرهنگ و هنر را به پای چنین "انقلابی" قربانی نمایند. کمتر کسی توجه خود را به عمق فرهنگ و هنر مظلوم می ساخت. حتی هنرمندان هم خود تمایلی بدین مطلب نداشتند. حاصل کار پوسته های مردانه شد و مارشهای نظامی موسیقی اصیل بی شک بار شد و با تکرار بی پروا و گریه آماندگان ما در پیست

کما زده ۴۰ آنگارک دیده بود و ربطی چند ان به تحولات بهمن ۵۷ ندارد .

اما موسیقی اصیل نیز به لحاظ غلی نگرش ایستاد و تا حدودی تثبیت گردید و در خود به نمایش گذارد .

تداوم بی روی که در همه پیش از جمهوری اسلامی در نیوی شدن موسیقی اصیل صورت گرفته بود، جز در حد و آثار این دوره دیده گیره چشم نیامد. شدت گرفتن نوحه خوانی تحت عنوان موسیقی آوازی، به گونه های مشارکت موسیقی اصیل را در ساختار نوازندگی و نوازندگی اسلامی بنا پیش می گذارد .

برهائی از سربا و رهای کود که در ریپرفرست موسیقی ایرانی طی حکومت اسلامی آورد می شود، که گویا ممنوعیت دیگر شیوه های بیان موسیقی در ایران موجب اتارائه مرکز موسیقی اصیل را فراهم نمود ما است، و از سوی دیگر گوشه داران موسیقی "غیر" دوران یک آموزش تاریخی را می گذارند. (این امتیاز بسیاری از دست اندرکاران موسیقی اصیل می باشد) علاوه بر توهم سادمانگاران این اعتقاد، ما با توجیه مسالمت آمیز یک سیستم توتالیته که تمام حیوانات فرهنگی و هنری را تحت نظم دیده نوازندگی خود در آوردن مواجه هستیم. طبیعی خواهد بود که موسیقی دانان اصیل ایرانی به شکرانه هدای چنین "موقعیتی ممتاز" خود را در متن اسطوره ها مخفی سازند .

هنگامی که نهاد های آموزش هنری موسیقی کشور با بسته شدن و یا رکود فعالیت مواجه می شوند و مسئول جدیدی برای بنای ساختار نوین برپیشتر است پیشینیان پرورد همنی شود، اگر رشدی هم گونه فردی خود مشاهده شود هرگز ریشه در بنیان تهی این رژیم و این دوره نخواهد داشت. من تخمیری مثبت را در روند کلی زندگی هنری موسیقی در ایران مشاهده نمی کنم .

بنظر شما زمینه پیشرفت موسیقی با سازهای غربی در ایران معرود چقدر است ؟ با توجه به اینکه شناسایی این موسیقی عمدتاً به بخش محدودی از جوانان شهری، آتم اقتدار نسبتاً مرفه منحصر بود ما است ؟

سؤال شما را به گونه ای می توانم دریافت نمود، نخست پیشرفت موسیقی ایرانی با استفاده از سازها غربی در میان توده مردم پیگیری خود موسیقی غربی و نفوذ آن در توده مردم ما پیش از اینکه بتواند به هر یک از این دو ویا سنی داد، می بایست دریافت ما از "توده مردم" روشن تر شود. این توده ها، نبوه یکسان و یک شکل برای نیست با حسن و عطفه برابر که بتسوان تا شیریک نوع از بیان موسیقی را در آن تعریف نمود .

نمی توان در عصر گوناگونی تما یلات و نیازهای فرهنگی این چنین کلی سخن گفت. کافیت گردشی کوتاه در تهران بنماید تا این گوناگونی را دریافت کنید. می توان در پای نوا موسیقی را در آن یافت از "آهنگران" گرفته تا یک جکمن از باغ شکتها وزن از گویوش و ستار گرفته تا بنان و مریضه از محمود تا پژمان و استوار و زحالی تا طلیزانه از و نارتکمن تا گیتار فلانکو، و از شوین تا معرونی و روحانی چگونه می توان در این ناسازگاری تما یلات تا شیر موسیقی را در تما می این کلیت تعریف نمود. آنچه را هم که مردم عامی از موسیقی اصیل و ایرانی می شناسند تا روشن است، چرا که نفوذ موسیقی آراک در ایران و انواع ترکیبات هجوه گونه مبتدل موسیقی این شناسایی را از انسان گرفتار است .

موسیقی جدی و معنوی در ایران چه نوع اصیل ایرانی و چه نوع ترکیبی ویا غربی آن با نوا و تها می کم و بیش صرفاً نفوذ خود را در میان روشنفکران اهل ادب و هنر دارد، تصویری پیش از این چیزی جز خود فریبی نیست. طبیعی است امکان پیشرفت هنر موسیقی جدی در مردم هست، زمانی که نهاد های لازم آموزش و اجرایی برپا شوند. زمانی که بزار تحقیق و تحقیر مردم دیگران برپا نیاید. زمانی که ناسنوروزندان وجود نداشتند باشد. زمانی که تنگنا های اجتماعی هنر را به زندمان و مردمان گفتن خلاصه ننماید. می بینیم که همگانی شدن هنر و تهمی نه تنها سطحی از پالایش شعور اجتماعی همگان را نیا زمند است، بلکه نهاد های اجتماعی در پیگری نیز جهت تحقق این امر ضروری باشند. و اما نکته دیگری در مورد سؤالان، یعنی آشنایی با این نوع موسیقی که در انحصار بخش محدودی از جوانان شهری است. آیا شما جا معما را سراغ دارید که غیر از این باشد ؟ اتفاقاً مرفه بودن آن جوانان هم امکان می شود تا بتوانند آموزش ببینند و با فرهنگ و هنر آمیخته شوند. فقر برانگیزده و خالق فرهنگ و هنر نیست. این را جا معما نسانید. رگاره های تاریخی تجربه نمود ما است .

امروزه سقا نه هستند هنرمندان یا ارزشی که برای باور یعنی فرهنگ فقر و "مردم گرای" شریک نکبت حاکم بر آنان شد ما ند. یعنی با تنزل خود به سطح عامی ترین توده ها به تحقیر خود و هنر برآمد ما ند. آیا این طریق هنر است ؟



آیند موسیقی ایرانی را چگونه ببینید ؟ آیا این موسیقی " محکوم " است که در چارچوب قالب تا - کونونی خود باقی بماند ؟ اگر نه ، چند ریچمهای رارو بماند بازمی بینید ؟

هیچ قالب و هیچ قانون بشری عمری جاودانه ندارد . در هنر و موسیقی نیز غیر از این نمی تواند باشد . زیرا قالبها و ارزشهای زیبایی شناسانه هنر ، یافته ها و ملزومات دوره های خاص تاریخ هنرمی باشند که ضرورتاً با دوره های دیگر تاریخ بشری تطبیق و رکلیت خود نمی یابند . آن موسیقی که جدا مانده است در آن شاد بپا کرد و آملها و رد های شان را به بیابان می آوردند امروز جوانان اسطوره های ما نند که رما ، در نهایت نفوذ خود ، تنها لذتی ایجاد می نمایند ، بی آنکه با انتظار و ملزومات انسان حاضر (ما) تطابق یابند . این لذت از همان نوع لذتی است که از دیدن آثار معماران و دران پیشین ویا تصویریک مینیاتور در بیننده حادث می شود . جا معزنده و جالب نیست که تنها پاسدار میراث پیشینیان باشد ، جا معمای زنده خواهد بود که آفرینش های نوین را محکوم سازد . در جوامعی نظیر جا معما که در ریزخ گذر فرهنگ با انواع محدودیت ها و تحقیرها مواجه است ، پاسداری از گذشته ، به گونه فراطبی ، وجهی از جوجه مبارزه می شود . آنجایی که روابط خانواد و شهروندی به گونه سنتی خود در گرو می شود میلی به اید های گذشته با رورمی شود . اسلام اید ثلویزی " ناجی " می گرد و حفظ و اشاعه موسیقی اصیل ، پاسداری از موسیقی کشور ، هنر نویی و هنر رشدی به جهت هم میزی با دیگر فرهنگها مورد شمت قرار گرفته به " غیر " و " بیگانه " تبدیل می شود . امروز در شرایطی زندگی می کنیم که حیات جهانی هنری معاصر به بهای آزاد اندیشی و فردیتی آزاد از تعصب ، قالبها و قوانین جبری زیبایی شناسانه هنر را پشت سر نهاده است . این البته بدین معنی نیست که هر آنچه را که کند متی که - دارد باید به بهترین های موزه سپرد ، این نگارش سوی فراطبی د یگر سگاست که باید از آن نیز بهره مند شود . اینک آینه موسیقی کشور چه خواهد بود ، و به کجا خواهد کشید ، بر هیچکس معلوم نیست البته اگر از عالم غیب گوین و نصایح پدر ما به بهره گیری کنیم .

در ریچمهای رویه آینه موسیقی در ایران نمی توان با خیالها و رویاها پیوند زد . تصویرگر اصلی آن محصول تجربه و آفرینش های ما خواهد بود . چگونگی آنهم طبعاً تعریفی اید ثلویزیکی نمی یابد .

را بطع موسیقی سنتی ایرانی و موسیقی غربی چگونه می تواند باشد ؟ آیا به نظر شما بلحاظ فن موسیقی ، امکان استفاده از سازهای متنوع غربی و همچنین قالب این نوع موسیقی خارجی در متن موسیقی سنتی ایرانی وجود دارد ؟ در این زمینه نظرتان را جمع به تجارب ملل دیگر چیست ؟

برای چگونگی امرا مزاج موسیقی ایرانی و غربی نمی توان به یک توضیح آنهم را این فرصت کوتاه سپاسخ روشنی یافت . اینکا زک امین تجربه علم " هارمونی " (هدا هنگی صدا) در چند صدایی نبود استفاده ه شود ، به عقیده من نمی توان و نمی بایستی اصولاً از دستور مل با آرایش تعیین شد حرکت نمود . آسری ست که در کنار تحقیق و کار منوط به سلیقه و گرایشهای زیبا شناسانه هنرمند می گردد . موسیقی غرب سالهاست که از موسیقی شرق بهره می گیرد . اگر از دوران رنسانس و نفوذ موسیقی ایرانی تحت امپراطوری اسلامی در اروپا بگذریم ، موسیقی قرن حاضر بخصوص مکتب اهرسیون پس از آن ، تجارب ارزشمند را پیش روی ما می گذارد . جنبه های ریتمیک ، ملودی و نتها در موسیقی شرق عناصرهایی برجسته در موسیقی مدرن می باشند . این بهره گیری اما در همه جنبه های هنر ، نظیر نقاشی ، شاتر و بخصوص باله در حضور خود را تصویر می سازند . این بهره گیریها طبعاً عامل مهمی در عنصر بدعت و خلافت هنر غرب گردید . موسیقی کشورهایی نظیر ما بجای آن که تنها منبع تمدن برای بیاند یگران باشند ، می توانند سهوشا رکت جدی تری را در صحنه جهانی موسیقی ایفا نمایند .

برای یاد کرد ر چند دهه قبل نشان از این می - مشارکت می ده . آرا تا موسیقی انانی نظیر امین الله حسین ، پژمان ، هوشنگ استواره علمی رهبری ، که با کرایشات متفاوت زیبا شناسی خویش آثاری برنوشند که بگرمیم ، نمونه های سنتی ترکیب و نظیر " نی نوا " از ساخته های حسین طریزان ه نشانهای از این میل همبستگی به صحنه موسیقی جهانی معاصر برومی دهند . در ضمن هر کدام به نوعی معارف چگونگی امرا مزاج در زبان موسیقی می باشند . موسیقی ملی و فولکلور ما منابع سرشاری را برای کارهای عظیمتری در خود دارند . راهی ست که آموزش و تحقیق و تجربه می خواهد . در بسیاری از کشورهای غیر اروپایی امروز با تکیه بر هویت موسیقی ملی خود کارهای اینچنینی می شود ، نظیر کره ، ترکیه . همچنین در یونان و کشورهای اروپای شرقی . تجارب قدیمی ترو کلاسیک این امرا مزاج را شاید بتوان در اوایل قرن نوزدهم در شوروی مشاهده نمود ویا تجربه شوریک و علی بلایار - تروک (که من شخصاً با لاقه خاصی بدان دارم) از نمونه های ارزنده دیگر تاریخ معاصرمان می باشند .

تنها باید در این راه به یک موضوع توجه داشت . که بهره مندی از هنر تجربه ای نمی بایستی به صورت کزینش نکه به نکتها از آن انجام پذیرد .

آیا به نظر شما موسیقی ، بطور کلی ، می تواند در ایران نقش یک " آهرم برانگیزنده " و پیش برنده شعور اجتماعی ، نظیر آنچه تا حدودی موسیقی کلاسیک در قرن نوزدهم و دران جنگ جهانی دوم در اروپا داشت (اپرا های بوردی ، روسینی ، موسیقی سیلیوس ، شوپن و شچوپن) ایفا کند ؟

ویژگیهای موسیقی اصیل در حوزه تفکر حاکم بر آن

و شکل بیانی آن ، بگونه ای نیست که بتوان موسیقی توصیفی را از آن استنتاج نمود . صحنه آرای توصیفی فاستا نی هرگز در موسیقی اصیل د خالتی نداشته است . درون نگری موسیقی اصیل میلی است تاریخی و نه پدید های نوظهور . تلاشهایی هر چند اندک اما مفید در زمینه اجتماعی نمودن (د نیوی نمودن) موسیقی ایرانی گردیده ، اما کشش غنی و تاریخی درون نگری مانع بزرگی برای این نحوها بر از میان بود .

مثلاً وقتی موسیقی ایرانی به کمک شعر بر آن است تا واقعیتی اجتماعی را بیان کند ، تضادی بسیار ملموس از یکنا سازگاری را به نمایش می گذارد ، مثلاً توصیف نا زیبا را که در شعر منظور شد با موسیقی ملودی که از حیث هارمونیک نیز بسیار مطبوع می باشد بیابان می دارد .

من بر این عقیده ام که موسیقی در ایران بیش از هر چیز محتاج یک خانه تکانی در شعور حاکم برخوردار می باشد تا در ره آن در کار خود بتواند خالتی در نیوی را ممکن سازد .

نمونه هایی از موسیقی بصورت تصنیف پس از قیام ارائه گردیدند ، اما اینکه آنها را در زمینه موسیقی هنری وجودی قرار داد بسیار بعید می دانم . آنچه واقعیت است ما از چنین موسیقی برخوردار نیستیم و آنچه حقیقت است موسیقی در کشور ما می تواند برانگیزنده طایفه انسانی بدان معنایی که شما مورد نظرتان هست باشد .

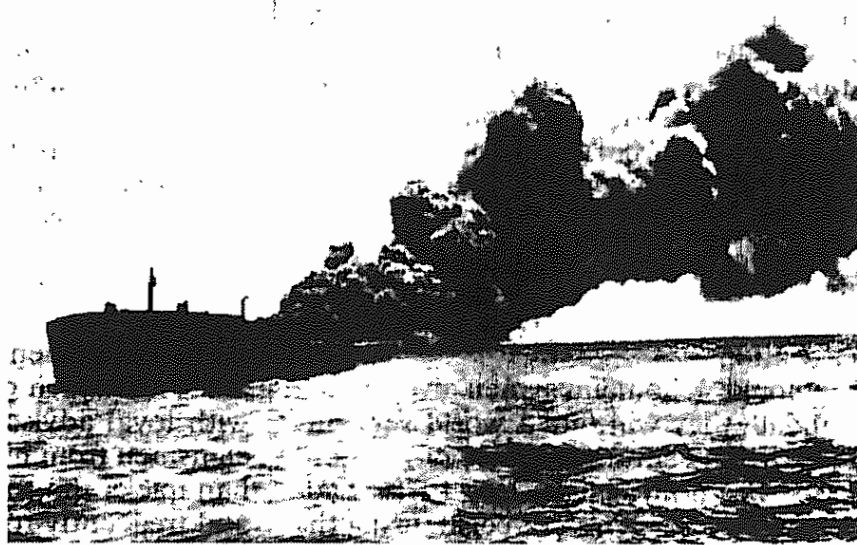
در شرایط فعلی اوضاع ایران ، شما چه زمینه ای برای رشد و گسترش موسیقی در ایران می بینید و به نظر شما هنرمندان ما چه مدتی را می باید پیش روی خود قرار دهند ؟

در شرایط فعلی ایران زمینه ای برای رشد و گسترش موسیقی نمی بینم ، منظور این نیست که - فلان موسیقی دان و فلان نوازنده در کار خود تکامل و رشدی را ممکن نمی سازد . بلکه وقت ما صحبت از رشد و گسترش هنر در کلیت یک جامعه می نمائیم ملزومات اجتماعی آنهم از جمله بزار آموزشی تحقیقی ، اجرائی و تبلیغی باید دیگر تجارب مورد نظر می باشد .

وقتی اجرای آثار ویا پخش آثار من و بسیاری از همکارانم در ایران ممنوع باشد . وقتی شعرها عریان چاپ نگردد . وقتی سیر گرد و اعدام شوند و تا بلوه های نقاشی در رستوی خانه ها انتظار بکشند ، از چه گسترشی می توان سخن گفت ؟ ترسم از آن است که همان بلائی بر سرمان بیاید که بر سر هنرمندان آلمان در طی حکومت هیتلر آمد .

دوازده سال در وی از جامعه ما ز مردم ، موجبات انشعابی تاریخی را در ره و وسوسا رور ساخت . تا آنجا که در تاریخ موسیقی ، سال ۱۹۴۵ سال صفر قلمداد می شود . بی شک مسیر پیشرفت شوئن برگ می توانست به گونه گریا شد اگر امکان تبادل با مردم را می داشت .





کنفرانس کشورهای اسلامی
جمهوری اسلامی را محکوم کرد

روز جمعه ۵ فروردین - برای نخستین بار در تاریخ حیات کنفرانس کشورهای اسلامی، جمهوری اسلامی با اکثریت قاطع آراء نمایندگان محکوم گردید. حتی نمایندگان دولت‌های لیبی و سوریه نیز که قبلاً در مسواریت متعدد از رژیم ایران حمایت کرده بودند در این کنفرانس از قطعنامه محکومیت ایران حمایت کردند. کنفرانس، رژیم جمهوری اسلامی را بدلیل ایجاد حادثه سال گذشته در مکه که صدها نفر از زائران حج کشته شدند و عسکرم پدیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل محکوم کرد. نمایندگان ایرانی قبل از پایان کار کنفرانس، جلسات آنرا تشریح کردند. آنها حتی این انتظار را که کنفرانس عراق را بخاطر استفاده از سلاحهای شیمیایی محکوم کند، برآوردند.

دو نفتکش هندی و دانمارکی در خلیج فارس مورد حمله یک نفتکش هندی که مشخصات آن معلوم نشده است، بعد از ۸ روز ۸ فروردین در خلیج فارس مورد حمله تاقیمسای نفتکش ۳۳۷۷۰۰ تنی دانمارکی (کارامارسک) و تویدار قرار گرفتند و دستخوش حریق گردیدند.

ساخت سلاحهای شیمیایی
توسط جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی تکنولوژی لازم برای ساخت سلاحهای شیمیایی و انواع گازها را در اختیار دارد.

رفسنجان در ۴ فروردین در مصاحبه با خبرنگار ایرانی و خارجی اطلاعات داد که رژیم جمهوری اسلامی تکنولوژی لازم جهت ساختن سلاحهای شیمیایی و ساخت انواع گازهای مگزار را در اختیار دارد و موقوع می‌تواند از آنها استفاده کند. وی اضافه کرد که تضمینی وجود ندارد که صرف فقها در مقابل اقدامات رژیم عراق ادامه داشته باشد و آنها دست روی دست بگذارند. وی همچنین در مورد گروه‌های انگلیسی، آمریکایی و فرانسوی اظهار داشت که کارشناسی‌های رقیب مانع از آزادی گروه‌ها نگردد. ماست و گرنه آقای شیراک وریگان به حل مسئله گروه‌ها نپرد یک شد بود.

خرید بلیط پروازهای خارجی با ارز

معاونت وزارت راه و ترابری رئیس سازمان هواپیمائی کشوری طی بخشنامه‌ای اعلام کرد که از تاریخ ۱۲۷ اسفند ماه سال ۶۶ بلیط پروازهای خارجی با روشی که مورد تأیید بانک مرکزی باشد به‌را انجام خواهد گرفت. مسافرینی که قبل از این تاریخ بلیط‌های خود را به‌ریال تهیه کرده‌اند می‌توانند تا ۲۷ فروردین از کشور خارج گردند. در غیر این صورت باید بلیط‌های خود را به قیمت‌های ارزی تعویض نمایند. از مسووی هواپیمائی کشوری قیمت ریالی و ارزی بلیط پروازهای خارجی بدین شرح اعلام شد:

تهران - بمبئی	۶۳۷۴۰ ریال	حدود	۸۵۰ دلار
تهران - لندن	۱۲۸۲۰۰ ریال	حدود	۱۸۰۰ دلار
تهران - فرانکفورت	۱۱۹۹۸۰ ریال	حدود	۱۶۰۰ دلار
تهران - نیوی	۳۲۳۸۰ ریال	حدود	۵۰۰ دلار
تهران - پاریس	۱۹۹۸۰ ریال	حدود	۱۶۰۰ دلار
تهران - وین	۱۷۷۶۰ ریال	حدود	۱۶۰۰ دلار
تهران - زوریخ	۱۷۷۶۰ ریال	حدود	۱۶۰۰ دلار
تهران - توکیو	۱۸۲۰۲۰ ریال	حدود	۲۵۰۰ دلار
تهران - پکن	۱۲۵۰۲۰ ریال	حدود	۱۸۰۰ دلار
تهران - استانبول	۶۵۱۸۰ ریال	حدود	۸۸۰ دلار

مصاحبه‌ای با ...

هنرمند می‌بایست با جامع‌عاش تجربه خود را در میان بگذارد و از این طریق در رقابت‌ها شونندگان کارش تأثیر بگذارد. و از قضا و نشان تأثیر بپذیرد. حال این امکان برای بسیاری از ما نیست. کار ما این نیست که از انوی غم به‌غفلت بگیریم و آهی از حسرت برآریم. می‌بایست در همین غربت شرایطی را برای یک یگرترا هم آوریم تا بتوان پالایشی را در هر دو و سو ممکن گردانید.

در این راه می‌بایست نسبت به یک یگرترا پیدی انتقاد نگریست نه بی‌تفاوت و پرخاشگروانه تا آنجایی که کارمان به پابوسی و دستخوشی بکشد.

این قیمت‌ها توسط "انجمن بین‌المللی حمل و نقل هوایی" یا "اتا" تعیین شده است اما پیش‌بینی می‌شود که هواپیمائی کشوری تخفیف‌هایی در حد ۴۰٪ یا بیشتر قائل شود.

تعداد داژترین مکه به ۱۶۵ هزار نفر رسید!

امور حج وزارت رژیم جمهوری اسلامی طی اطلاعیه‌ای اولویت جدیدی را اعلام کرد و از متقاضیان حج که مشمول اولویت جدید هستند خواست تا هر چه زودتر با اردست داشتن مدارک لازم به ثبت نام خود اقدام نمایند.

رژیم فقها با توجه به تهدیدات دولت عربستان نسبت به هرگونه تشنج وحاد شافرینی در نکه، قصد دارد با افزودن بر میزان حجاج ایرانی رژیم سعودی را تحت فشار قرار دهد. عربستان سعودی در کنفرانس اسلامی خواستار شد یک سوم از تعداد حجاج ایرانی کاسته شود.

ادامه از صفحه ۵

تظاهرات بزرگ نیروهای سیاسی

وایرانیان مهاجر علیه جنگ

انقلاب نیکا را گوئید

و وضعیت جدید

منفرد کردن کنتررا در داخل نیکا را گوشه و در عرصه بین المللی و دادا شدن آمریکا به قطع کمک به آنها و همچنین بی آینده کردن عملیات نظامی آنها از طریق وارد آوردن ضربات نظامی به آنها بوده است. این تاکتیک به لطف درایت و انعطاف ساندیست ها تا کنون با موفقیت پیش رفته است. با جذب سرخ - پوستانی که با کنتررا همکاری می کردند و عادی سازی شرایط فعالیت سیاسی برای اپوزیسیون غیر مسلح، کنتررا تا حد بسیار زیادی در صحنه داخلی منزوی شد. با جلب افکار عمومی مردم مترقی جهان و آمریکا و اعمال فشار بر هیئت حاکمه و بهره گیری از تضاد جناح های مختلف آن، کمک نظامی به کنتررا از جانب آمریکا با موانع مهمی روبرو شد. و با لاکره آخرین ضربات نظامی در ماه مارس به کنتررا ها در مرز هندوراس، آنها را در موقعیت ضعیفی قرار داد. مجموعه این شرایط تکانه در درون کنتررا را تهدید کرد. کرده است. "تريکه برموز" از فرماندهان اصلی نیروهای کنتررا و از رهبران گارد ملی سابق سومزا، با اکثریت سردمداران ضد انقلابیون به مخالفت برخاست و از امضای قرارداد آتش بسس بین دولت و کنتررا خودداری نمود. واقعیت آنست که مشکل اصلی دولت نیکاراگوئه در حوزة سیاسی و نه در قدرت نظامی بلکه در حوزة اقتصاد است. این کشور فقیر که سالهاست در محاصره اقتصاد آمریکا بصری بردوا داخل تمامی امکاناتش توسط خرابکاری ضد انقلابیون نابود می شود و در جنگ علیه آنها به هدر می رود. قاره تا مین نیا زهای اقتصاد و برنا مریزی برای پیشرفت نشده است. و اگر کمکهای بیدریغ اردوگاه سوسیالیستی و دیگر متحدانش نبود با مشکلات بمراتب شدیدتر تقصا دی روبرو می گردید. نرخ تورم در سال ۱۹۸۷ برابر ۱۵۰۰ درصد بوده است و مشکلات مبادله و کسری آن هم حدی بود که دولت در ماه فوریه دست به اصلاح پولی و تغییر نرخ برابری آن با دلار زد. وضع چنان است که "دانیل ارتگا" یکبار گفت: "برنا مع اقتصاد در چنین اوضاع و احوالی تاکتیک مقابله با ضد انقلابیون مسلح به پیش رفته است."

با برقراری آتش بس قطعی، مبارزه با ضد انقلاب به شیوه مسالمت آمیز و سیاسی ادامه خواهد یافت. اما این واقعیت که کشوری انقلابی در آمریکا لاتین از مبارزه با برامرگ و زندگی پیروزی بیرون آمده و در جریان این مبارزه بر چهره رنگانیمتف کرده است. حادشای نیست که بتوان آن را دست کم گرفت.



رواٹی افشاء گردید، محکوم شد. این راهیما شى بدعت :
 هواداران سازمان وحدت کمونیستی در اروپا - برلین غربی، سازمان دانشجویان ایرانی در آلمان فدرال و برلین غربی هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - برلین غربی، هواداران سازمان کارگران انقلابی ایسران (راه کارگر) - برلین غربی و با پشتیبانی کانون پناهندگان سیاسی ایرانی - برلین غربی و
 Flüchtlings - Asyl ev
 Asta Tu - Asta Fu -
 Asta TFH - Dev genc - ESG
 Halkevi - Frauenpelenum
 برگزار گردید.

روز دوشنبه ۸۸/۴/۱۱ برلین غربی شاهد راهیما شى بیش از هزار نفر از ایرانیان مبارزو مترقی علیه جنایات جنگ ایران و عراق و موشک باران شهرهای دو کشور بود. راهیما یان با شعارهای سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، جنگ شهرها و بمباران مناطق مسکونی محکوم است، صدور اسلحه به ایران و عراق را قطع کنید، خیا با نهایی مرکزی شهر را با فیرا دهی اعتراض خود علیه جنگ ایران و عراق، یکی از بیشترین نهترین و ارتجاعی - ترین جنگهای جهان، زیر پا گذاشتند. تظاهرات حدود ۲/۵ ساعت طول کشید و در طی آن دولت آلمان به عنوان یکی از مهمترین تامین کنندگان اسلحه برای ایران و عراق که اخیرا در بمباران شیمیایی مناطق کردنشین عراق نمونه های آن با

حزب توده و داستان مقاومت!

بلکه به تمام اعضا و هواداران گول خورده و گول نخورده حزب استور تسلیم دادند. از مقاومت و پایداری دم زد و مقام رهبری سازمان تگری مبارزات زندان را نیز به خود اهدا می کنند. ضرب المثلی هست معروف کمی - گوید: " اگر پدر شرانندید بود، ادعای اسب و افسار ترکمنی می کرد!"

اما چنین داستان پردازی هایی بفرع مولفین ریزش و درشت - مثل اکثریت سازمان مجاهدین خلق تنها یک روی سکه بیاری اپورتونسم است، که همیشه گزارشات، اخبار، مقالات و ... منتشر می شود. سیاست ائتلافی اوست. تکیه به جزئیات و استثنائات برای انگار پوشانیدن جریان عمومی وقایع و رویدادها دیگر سکه است. طرح مطالبی مثل: " اکثریت های شما که به زندان یا اعدام محکوم شده اند، وفاداری عیب خود را به حزب و سازمان اعلام داشتند. روحیه رفقای شما بالاست، بارها صدای زندم باد حزب توده ایران در اتاق دادگاه هنگام محاکمه تودهای ها که معمولاً چند دقیقه طول می کشد، طنین افکن شده است. تنها و تنها تلاشی مضحک است برای پوشاندن این حقیقت که حزب توده نه تنها هرگز مقاومت را تجویز نکرد، نه تنها مقاومت در قلمروشان "چپ روی" بود بلکه در مواردی همگامی افتاد، متأثر از عواملی بغیر از آموزش و تربیت این حزب بود. در طول دهها خیر آنان همه جا مقاومت و پایداری جنبش انقلابی میهنمان را چپ روی و لجاجت غیر لازم و قهرمان پروری و ... نامیده و تحققت نمودند. راه در نور و به همین مردم شماره ۱۸۲ مقاله " قدرت اخلاقی شان پیروزی" مراجعه کنید، ابدا کلامی در مورد مقاومت و پایداری و اهمیت آن در بقیه در صفحه ۱۳

خواندن نشریات حزب توده از هر نظر که جای نشاید برای خنده و مزاح بدک نیست. کافی است چند شماره آنرا ورق بزنید. مثلا مردم شماره ۱۸۷ را این نشریه نامهای با عنوان " پایداری در زندان" بچاپ رسانده که در اولین نگاه خواننده فکر می کند چه عجب حزب توده در مورد پایداری و مقاومت نیروهای مارکسیست و انقلابی در زندانها مطلبی نوشته است، اما وقتی آنرا می خواند با یک جعل خنده دار از لوری دیر کشف شد توده ما یها و شبعیت بیمارگونه حتی ایمن گزارش جعلی از سیاست ائتلافی حزب توده مریومی کرد. نامه را به یاد می روزنامه مردم یک دست غیر توده های " برایشان ارسال نمود ما است! او خود شخصا شاهد بود که " زندانیان توده های وفاداری و یگران با تحمل سخت ترین شکنجه ها توانستند جو را با شکنجه را در هم شکنند. و مبارزه و مقاومت آنان بود که رژیم را وادار به حذف لاچوری کرد ما است! تا اینجا خواننده ممکنست با خودش در جدال قرار بگیرد که با حزب توده دروغ های بی آبرویی در جستجوی آبروبرآمد و فکر کرده اگر در این مورد هر چه قدر روغ بیاورد بخاطر حرمت زندانیان و ... دیگران چشم فرو می بندند و مثل سایر افتضاحات حزب آن را افشانی کنند. اما قصه سرد را ز دارد. گوش کنید مثلا وقتی صحبت از اعتصابات زندانیان می شود: " در این اعتصابات رفقای شما به همراهند اثبات نقش سازماندهی را یفا کردند. ؟ جل الخالق معلوم نیست چرا رهبران حزب چارنا پر هیزی شد و بر خلاف سنت و آموزش و اعتقاد آنها که همیشه مقاومت و پایداری را چپ روی می دانستند و بر خلاف سنت " تاریخی" شان که با یکدیگر و تا میول! نه تنها همه چیز را گتند، نه تنها در شوهای متعدد و طویزیونی به سوسی اعتراف کردند، نه تنها صد ها صفحه رسالتش را مام امت سیاه کردند،

تظاهرات ۳۰۰۰

بزنیم، بیا بصدای ما، درخواست‌های ما، مشکلات ما منظور که هست به گوش مردم برسد و آنها وضعیت ما را درک کنند، همبستگی ما جریین شرط لازم برای چنین هدفی است ولی کافی نیست. در شرایط زندگی ما، هرکانون وانجمنی که برای حقوق دموکراتیک مردم ایران از جمله حقوق دموکراتیک بنا هندگان مبارزه می‌کنند باید دارای یک بازوی فعال و قدرتمند در میان خارجی‌ها باشد. درغیر این صورت دست یا فتنه هدف مشکل یا شاید حتی غیر ممکن می‌باشد. این مسئله صورت‌های گوناگونی دارد که بعضاً شناخته شده‌اند، مثلاً احساسات و اتحادیه‌های کارگری در آلمان بخش‌های مربوط به بنا هندگان دارند، فراکسیون‌های پارلمانی بخصوص مربوط به حزب سبزها در این عرصه فعالیت خوبی دارند، روزنامه‌ها و مطبوعات فراوانی وجود دارند که حاضرند درخواست‌ها و مبارزات بنا هندگان را منعکس کنند، که آنها و مکانات فراوان مشابه آن می‌توانند در خدمت مبارزات ما قرار گیرند. برای فعال‌تر کردن این بازو در شرایط حساس کنونی شاید مناسب باشد که از میان کانون‌های فعال کمیته‌ای تشکیل دهیم برای مزاجه به اینجا و آنجا و گفتگو با شخص‌ها و احساسات فراکسیونها. این کار طبقاً بنا بدجلوی اقدامات مشابه و در سطح محلی که هرکانون می‌تواند و باید انجام دهد بگیرد. ولی با وجود کمیته‌ای مؤسسه و پیگیر، کار قوی‌تر پیشرفت خواهد کرد، برای این منظور در تمام سطح کانون‌ها احتیاج هست که از "ردیها" از اوضاع بنا هندگان در پاکستان و ترکیه، از مواردی که به ایران برگشت داده‌اند، از تائیدات مخرب اسن شرایط رویدادها و بنا هندگان و مواردی که بنا هنده حتی محبوسه خودکشی شده است پرونده‌ای تهیه کنیم که بعنوان مدرک و منبع تبلیغات بکار برود.

شعار "توقف ردی" و قطع استرداد شعرا را همگانی بنا هندگان از کشورهای مختلف است، بنا بر این حول آنها می‌توان حرکت مشترک گسترده‌تری را سازمان داد.

فشارهای اخیر علیه بنا هندگان در کشور آلمان غربی، و بخصوص حادثه شدن قضیه استرداد بنا هندگان و افزایش مردود شدن دادگاه‌ها، همزمان است با شدت گیری جنگ ایران و عراق و اسفندی با بقاء یک جنگ شهرها و کشتار مردم عادی پیدا کرده است. این جنگ لغتاً امروز بسش از هر زمان دیگری افکار عمومی مردم جهان را بخود جلب کرده و نظرشان را برانگیخته است. مردم عادی این کشورها را در ماه‌های آدمکشی و خرابی بسته آمده‌اند و احساس ما جرابرانی و رابطه‌ها در ماه‌های جنگ را با او وارد شدن خواهد. و جوانان کشور ما می‌فهمند، این زمینه بسیار مناسبی است که تبلیغات ما میان مسئله جنگ و آوارگی بیوند برقرار کنند و توجه افکار عمومی را به فعالیت‌های ارتجاعی و همکاری دولت‌ها -

بنا با جمهوری اسلامی و بنا بر این اقدام جنگ جلب کنیم، این موضوع با بیدار روشنی تبلیغ شود که میان فروش اسلحه به جمهوری اسلامی و تحویل بنا هندگان به این دولت جنایتکار رابطه وجود دارد، حمایت از بنا هنده خود جزئی از مخالفت با جنگ خلیج می‌باشد.

بسیار با زتاب منفی جنگ بر ذهنیت مردم جهان علی‌الخصوص مردم کشورهای اروپایی، طرح شعار پذیرش بنا هندگی همه بنا هندگان ایرانی امروز مقبولیت زیادی دارد، این شعار که در راهیما بی بزرگ ۹ آوریل نیز مطرح شدنشان می‌دهد که شعار مورد قبول همه ما است، بنا بر این این شعار را به محورترین شعار تبدیل کنیم چون این شعار در بر گیرنده دو شعار "توقف ردی" و "قطع استرداد" نیز هست، این بدین معنا نخواهد بود که دو شعار مذکور را حذف کنیم، بلکه منظور اینست که جهت طرح هر دو شعار "توقف ردی" و "قطع استرداد" باید در یک نقطه تثبیت شوند و جهت دراز مدت مبارزه ما علیه این سیاست که هر از چندگاهی مطرح می‌شود روشن باشد. ما باید با سیاستمداران و عدم پذیرش بنا هندگان ایرانی را از سر ما جریین ایرانی نرفه کنیم، باید بتوانیم راه آمدن بنا هندگان ایرانی در پاکستان و ترکیه را که در بدترین شرایط اجتماعی و سیاسی بمرمی نزدیکه کشورهای اروپایی با آمریکا بازنیم، لازم است که بنا هندگان را بندها گفتند، اما ما کار را است. راه اینست که فعال لیتمان را با ادامه دهیم. بر سر این شعار باید کمیته‌ای را بندها زیم یعنی یک مجموعه فعالیت را با هم پیش ببریم، اگر موفق شویم حلوی بین کار دولت آلمان را بگیریم توده‌های محکمی هم بر رژیم اسلامی زده ایم. مبارزه را ادامه می‌دهیم!

برگزاری جشن آغاز سال نو

ایرانشان شهرها نور در تاریخ ۱۳ه شعبان آغاز سال نو شمسی را جشن گرفتند. در این جشن که به همت کانون بنا هندگان سیاسی و کارکنان سیاسی فرهنگی شهرها نور برگزار کردید، حدود ۶۰۰ نفر از ایرانیان ما حرا بن شهر شرکت نمودند. در برنا مه بوق که از ساعت ۷ بعد از ظهر شروع و تا نیمه شب ادامه یافت، سرقص کردی، موسیقی ایرانی، رقص اسپانولی و برنا مه کوتاه "توسط یک گروه دو نفره آلمانی و برنا مه ویژه جی میروزه اجرا درآمدند. در انتهای برنا مه نیز شرکت کنندگان در جشن ساعتی را با آهنگهای خلقی ایران و موسیقی ایرانی به جشن و پای بکوبی پرداختند.

همبستگی بین المللی
برای بزرگداشت
روز جهانی زن

روز جهانی زن در برلین غربی ما رش عظیم ۲۵۰۰ نفر از زنان مبارز ملیت‌های گوناگون از جمله آلمانی‌ها، ایرانی‌ها، شیلیایی‌ها، ترک‌ها و کره‌ای‌ها گرامی داشته شد. زنان اغلب کشورهای بویژه کشورهای شبکه تحت سیطره رژیم‌های جاسا رو ستمگر سر ما بیداری عقب مانده و سرکوبگر قرار دارند، با حمل پلاکاردها، وضعیت نا هنجار زنان کارکرده متکثر کشورهای خود را افشا کرده و برای بهبود وضع و کسب حقوق انسانی و برابر شعار دادند. زنان ایرانی نیز که در رژیم جمهوری فقها تحت شدیدترین سرکوبی قرار دارند، با حمل پلاکاردهای با شعار "آزادی زنان بدون انقلاب و انقلاب بدون زنان امکان پذیر نیست" موضع خود را در قبال مسائل اجتماعی و از جمله مساله زنان برار داشتند. آنها همچنین سیانه‌ای را در مورد وضعیت کنونی زنان ایران و قوانین فدیشری موجود علیه زنان در جمهوری فذن اسلامی قرائت کردند.

در پایان راهیما شنی زنان شرکت کننده، جشنی را برپا کردند و با ارائه رقص و موسیقی خلقی خود و روز جهانی زن را گرامی داشتند. در خلال برنا مه‌های جشن یک زن ماز شیلیایی در مورد وضعیت زنان و جنبش آنان در شیلی سخنرانی کرد.

سرکار رکنندگان راهیما شنی و جشن برای تدارک بهتر از هفت‌های قبل سمینارهایی برای بررسی مسائل زنان کشورهای مختلف ترتیب داده بودند. یک هفته هم متعلق به ایرانیان بود.

مرگ یک پناهنده سیاسی

نشریه پیام کارگر:

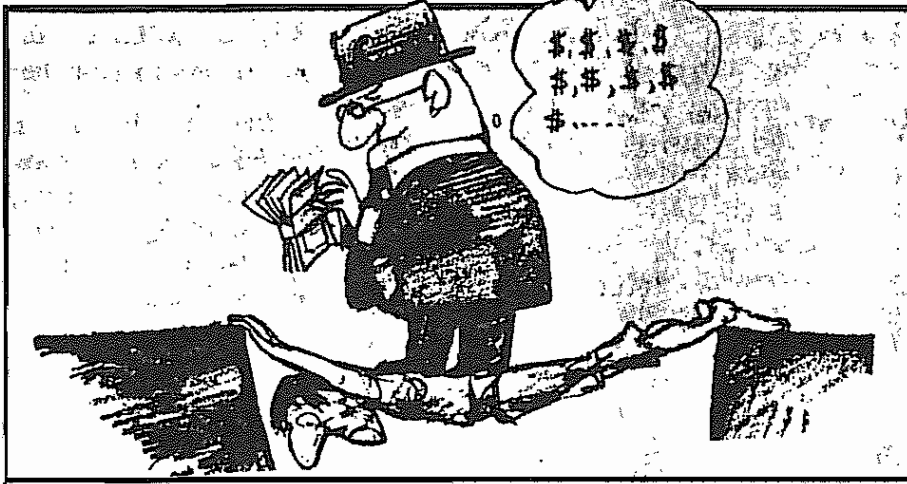
طبق اطلاع پلیس آوین برنگ در آلمان غربی جسد پناهنده سیاسی احمد - ۲۷ ساله بتاريخ جمعه ۱۸/۳/۸۸ صبح در حوالی شهر پیندا شده و تحقیقات جهت علت مرگ نامبرده ادامه دارد.

بدین مناسبت پناهندگان منطقه تاسف خود را از این واقعه جانگاز اعلام می‌دارند.

Offenburg _ Baden

با پیام کارگر همکاری کنید
و برای آن بنویسید!

در "جامعه رفاه" چه میگذرد



معرفی یک اثر جدید از ما رکز:

ما رکز اثر جدید خود "ماجرای میگوئل لیتین، سفر غیرقانونی به شیلی" را بر اساس مصاحبه ۱۸ ساعته اش با "میگوئل لیتین" فیلمساز معروف و تبعیدی شیلیایی نوشته است. این کتاب انعکاس سیمای واقعی زندگی مردمی است که در شرایط دیکتاتورشیلی بیگانه شده اند. آنچه ما رکز را به نوشتن این اثر ترغیب نمود، چگونگی تهیه فیلم مستندی توسط لیتین بود که بطور مخفیانه و تحت سخت ترین شرایط سرکوب در شیلی انجام گرفت. ما رکز بر این عقیده است که داستان چگونگی تهیه این فیلم، خود اثر بزرگی است که باید در سطح جهان معرفی گردد.

کاربرگینا روسا ما رکز نویسنده بزرگ کلمبیایی و برنده جایزه نوبل ۱۹۸۲، چندی پیش تصمیم گرفته بود تا سرنگونی بیبنوشه بعنوان اعتراضی و کار ادبی اش را تعطیل کند. اما دوستان شیلیایی او وی را از این تصمیم منصرف کردند. ما رکز از آن پس همچنان با "سلاح" خود علیه دیکتاتورشیلی بیبنوشه مبارزه کرده است. او می گوید: "من هرگز با هیچ سلاحی سروکار نداشته ام، مگر با ما شین تحریرم!"

وی که یکی از برجسته ترین نویسندگان معاصر است، تمهای اصلی آثارش در خدمت جنبشهای رهاشی بخش آمریکای لاتین بوده، چنانکه یکی از زمان نویسان پروشی درباره او می گوید: "ما رکز مبلغ انقلاب کوبا است!"

موضوع اثر جدید ما رکز ورود او قامت غیرسرمه قانونی "لیتین" به شیلی است که ما رکز خواسته در آن مبارزه و زندگی روزمره مردم شیلی را از زبان این فیلمساز ترسیم کند. این کتاب برای اولین بار از زبان اصلی به آلمانی ترجمه شده است. *

ما هفتاد و هفت درصد آمریکا میماند ریویو در شماره سپتامبر ۱۹۸۷ خود، تا بلوی گویائی از نحوه توزیع درآمد در ایالات متحد آمریکا طی دو دهه ۱۹۶۳ الی ۱۹۸۳ را اعداد و ماست ۱۰ این تا بلوکند وزیر عینا نقل شد ماست، مقایسه ای بین درآمد های ۱۰ درصد ثروتمند جمعیت با ما بقی اهاالی (۹۰ درصد دیگر جمعیت) طی سالهای ۱۹۶۳ الی ۱۹۸۳ بعمل می آورد و بدین ترتیب تصویری از نتایج سیاست اقتصاد آمریکا یعنی "راست نوین" نیز بدست می دهد. مشترکا به این تا بلونگا هی بیفکنیم:

چنانکه ملاحظه می کنید، طی فاصله سالهای ۱۹۶۳ الی ۱۹۸۳، سهم ده درصد جمعیت دارای ۱/۷۵ درصد درآمد ملی به ۱/۷۷ درصد ارتقاء یافته و سهم نیم درصد از این ده درصد به تنها ۱/۴۵ درصد از ۱/۳۵ درصد درآمد ملی افزایش یافته است. این نیم درصد که ثروتمندترین بخش جمعیت

درصد تغییرات	۱۹۸۳	۱۹۶۳
درآمد ثروتمند جمعیت	۷۱/۷٪	۶۵/۱٪
نیم درصد ثروتمندترین بخش جمعیت	۳۵/۱٪	۲۵/۴٪
نود درصد خانواده ها	۲۸/۲٪	۲۴/۹٪
بیشتر درآمد ثروتمندی (تقریب جمعیت)	۳-۴٪	

می شد. نظریه پردازان واید ثولوگهای بورژوازی وعده می دادند که سرمایه داری پر تحرك آمریکا میبستنی بر نیوندیل روزولت، همراه با طرح مارشال و گسترش شرکت های سرمایه و توسعه فورند یسم به الگوی "سرمایه داری مردمی" نزدیک می شود که در آن هر آمریکا نسی سرمایه دار خواهد بود و "جامعه رفاه" برقرار خواهد شد. آنان با چنین چشم اندازی، نظریه مارکس را در باره "مستند سازی و فقر نسبی" در جمعیت که به موجب آن تفاوت درآمد اکثریت عظیم جمعیت نسبت به اقلیت ثروتمند در جامعه سرمایه داری فزونی می یابد، مردود اعلام می کردند. اگرچه در سال ۱۹۶۳ این رژیم درصد ثروتمند جمعیت ۲۵/۴ درصد درآمد را در اختیار داشت و ۹۰ درصد خانواده ها، ۳۴/۹ درصد درآمد ملی را در اختیار بودند و این امر خوب و واقعیت "فقر نسبی" (و حتی "فقر مطلق" را برای برای بیست درصد تحتانی جامعه ۳-۴ درصد درآمد ملی) را در جامعه سرمایه داری (ولو پیشرفته ترین جامعه سرمایه داری با مدل فورند یستی توسعه اقتصاد) تأیید می کرد، اما وعده های اید ثولوگها و نظریه پردازان بورژوازی فراوان بود. هیچ جریان بیسترا زلیبرالیزم اقتصاد ی، اید ثولوژی کلاسیک بورژوازی، در دوره حکومت ریگان بطنان این ادعاها را اثبات نکرد!

می باشند، همان خانواده های صاحب هزار شرکت بزرگ آمریکا می و فرا ملیتی هستند که سبب نشان سر نوشت معاملات مالی بورس نیویورک، و تا می بازارهای اصلی سیادت بورژوازی (از پنتاگون، سیا و ارتش گرفته تا مطبوعات و شبکه های تلویزیونی) را کنترل می کند و به حلق عنوان "سلطین مالی و صنعتی" را بر خود دارند. قدرت آنان در تعیین سرنوشت سیاسی آمریکا، آن چنان است که تبلیغات تجوی و در هر گرد در پروژها لیبود را در چشم بهمزد می به ریاست جمهوری آمریکا گماشته اند و با این اقدام نشان می دهند که در آمریکا سیاست و سیاستمداران بر دگان بی چون و چرای پول و سلطین مالی و صنعتی هستند. و اما نمود درصد دیگر جمعیت در سال ۱۹۶۳ تنها ۳۴/۹ درصد از درآمد ملی را بخود اختصاص می دادند که این رقم در سال ۱۹۸۳، ۶/۷ درصد تنزل یافته و به مقدار ۲۸/۲ درصد رسید است. به عبارت دیگر در سال ۱۹۸۳، یعنی اولین سال پس از رکود ۸۲-۱۹۸۱، نیم درصد ثروتمند جمعیت به تنها ۱/۶۹ درصد (ما با تفاوت ۱/۳۵ درصد و ۲۸/۲ درصد) بیشتر از ثروت در صد جمعیت از ثروت ملی بهره برد مانند.

همه می دانند که آمریکا در سالهای ۶۰ و ۷۰ میلادی بعنوان "سرزمین فرصتها" و "جامعه رفاه" معرفی

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا

آلمان فدرال

● بدنبال شکست مذاکرات کارگران و هیئت مدیره کمپانی کروپ در مورد کارخانه فولاد راین هاووزن، کارگران خشمگین ساختمان شرکت کروپ در شهر بوخوم را اشغال کردند. کارگران اعتراض کنند خواهان لغو تصمیم هیئت مدیره در مورد تعطیل کارخانه فوق هستند ولی در آخرین دور مذاکرات، هیئت مدیره کروپ یکبار دیگر تصمیم خود در مورد بستن کارخانه را به آنها اطلاع داد. بدنبال شکست مذاکرات فوق، حرکات کارگری در تمام صنایع فولاد آلمان فدرال به عنوان اعتراض به سیاست بیگارسازی کارگران تریب المتوقع است.



کارگران فولاد راین هاووزن دفتر شرکت کروپ را اشغال می کنند!

اسرائیل:

رسوایی صهیونیستها

● روز ۶ آوریل یک دختر ۱۵ ساله اسرائیلی در نزدیکی دهکده بتیا که محل تظاهرات شدید خلق بیخاسته فلسطین بود بقتل رسید. رژیم صهیونیست ارتش اشغالگران بلافاصله اعلام کردند که این دختر بیعت پرتاب سنگ از جانب فلسطینیها بقتل رسیده است. رژیم نژادپرست اسرائیل هیاهوی بسیاری در این مورد به پا کرد. در مراسم تشییع جنازه این دختر، اسحاق شامیر نخست وزیر صهیونیستها چنین گفت "خون ملت بیعت این قتل بجوش آمده و همه خواهان انتقام هستند." بدنبال این بیانات ارتش سرکوبگر جوانان دهکده را دستگیر کرده در حین آن یک جوان فلسطینی با کلوله سرانجام شهید شد. آنها به بیانه تعقیب قاتل شروع به انفجار خانه های مردم دهکده کردند که تا روز ۱۵ آوریل ۱۴ خانه منفجر شد و ۳ جوان دستگیر گردیدند. اما روز ۸ آوریل در کلبه شکانی از جسد دختر مقتول مشخص شد که او در اثر اصابت کلوله به سرش بقتل رسیده. کلوله از نوع کلوله تفنگ سرانجام اسرائیلی و دقیقاً از همان نوعی بود که در همان روز ۶ آوریل دو جوان فلسطینی را زخمی و شهید کرده بود. ابدا رسوایی بعدی بود که در استان اسرائیل روز ۱۰ آوریل دستور توقف انفجار خانه های روستایان را داده اعلام کرد که دختر اسرائیلی با کلوله سرانجام اسرائیلی بقتل رسیده است.

خاورمیانه

هندوراس

● وزیر خارجه آمریکا در پایان اقامت ۵ روزه خود در خاورمیانه برای ایجاد توافق بین اسرائیل و دولت عربی روز هشت آوریل بدون نتیجه به واشنگتن بازگشت. موضع نخست وزیر اسرائیل در مورد رد کنفرانس بین المللی برای حل مسئله فلسطین و خودداری این دولت در برسمیت شناختن سازمان آزادی بخش که موجب ناراضی اردن و سوریه گشته است. علت اصلی بی حاصلی سفرشولتز توصیف شد ماست. شولتز در پایان سفر خود اعلام کرد که برای با رسوم به خاورمیانه جهت پیگیری طرح صلح سفر خواهد کرد و یکی از مقامات وزارت خارجه را برای ادامه فعالیت در منطقه معین نمود.

● در هفته اول آوریل در تظاهرات اعتراضی در مقابل سفارت آمریکا در هند وراس که با اعتراض به حضور نظامی سرانجام این کشور در خاک هند وراس و تحویل دادن یک متهم به تاجیک کوکائین به دادگستری آمریکا بود ماست، پنج نفر توسط پلیس ضد شورش کشته شدند. تظاهرات کنندگان بیشتر دانشجویانند و در جریان تظاهرات یکی از ساختمانهای سفارت آمریکا را اشغال کردند و خسارات زیادی به اموال آمریکایی وارد نمودند.



ژنو

● در اوایل ماه آوریل با اعضای قرارداد بین افغانستان و پاکستان، کفایه نیگیری نمایند در بیرگل سازمان ملل صورت گرفت، در کشور متحدان مانده را مسور داخلی یکدیگر خالت سکن و توافق ۵ میلیون آواره افغانی به کشور خود بازگردند. با اعضای قرارداد فوق خروج نیروهای شوروی از آن کشور از ۱۵ مه آغاز می شود و احتیاطاً در همین دوره دولت جدیدی با شرکت نیروهای اپوزیسیون تشکیل خواهند شد. مجاهدین افغانی قرارداد فوق را رد کرده و اعلام کردند که افغانستان نیز اعلام نمود ماست که کنگهای خود را مانده می کشد و به دولت افغانستان کمک می کند به مجاهدین ادامه خواهد داد.

ادامه از صفحه ۱۰

حزب توده

مبارزه انقلابی نمی یابید. بظاهر مقاله تمام آن وجوهی را که برای یک مبارزه انقلابی لازم است قید نموده، و در این میان لابد مقاومت و ایستادگی در مبارزه همیشگی ندارد که فراموش شد ماست!

چگونه می شود عمری خیانت و تسلیم، عمری پرسپیک فروشی و معامله را بفراموشی سپرد؟ شاید رهبران حزب توده فکر می کنند اینها به زمانهای آنقدر دور و رتعلاتی دارند که بشود از نسل امروز پنهان شان داشت. اما برآستی آن تازه ترین سریال تلویزیونی رهبران حزب هم آنقدر رکبته شده ماست که با جعل این داستان های "مقاومت" بتوان آنرا بفراموشی سپرد؟

آلمان فدرال

تظاهرات استرن مارش (عید پاک)



درها یلبرون: " (موشکها) را برای فرستنده پس بفرستید! "

استرالیا - ملبورن

در باره چگونگی دست یافتن به صلح در منطقه خاورمیانه سخنرانی نمود. گروههای مختلف سیاسی و گان‌نویسها وانجمنهای مترقی و از جمله گروههای سیاسی ایرانی در محل تظاهرات اقدام به گذاشتن میز فروش کتاب و نشریات نمودند. رفقای سازمان در فرانکفورت نیز با گذاشتن میز تبلیغات و پخش اوراق تبلیغی سازمان در این مراسم شرکت و با جنبش صلح ابراز همبستگی نمودند.

هرساله تظاهرات و راهپیمایی‌های بزرگی علیه جنگ برای نابودی سلاحهای اتمی و صلح در شهرهای بزرگ استرالیا برگزار می‌گردد. ۱۰ اسامال این مارشهای صلح در روز ۲۷ مارس در سرتاسر استرالیا با حضور عده‌ای زیادی از فعالین جنبش چپ و سبزها برگزار شد. در تظاهرات صلح ملبورن از جمله نیروهای شرکت‌کننده نیروهای مترقی ترک، سازمانهای مترقی کرد در ترکیه و عراق، شیلیایی‌ها، فلسطینی‌ها و ازنیکارا کوئه و از ایرانیها بودند. رفقای ما با پخش اعلامیه‌های همبستگی بین‌المللی ما را با خواست تظاهرات کنندگان اعلام کرده و پیشرفتهای جنبش صلح جهانی را در محدد و کسردن پارامی از سلاحها به آنان تبریک گفتند. در اعلامیه همچنین توجه شرکت کنندگان در راهپیمایی‌ها بعد از فاجعه بنارو هولانگیز جنگ ارتجاعی بین ایران و عراق جلب شده و پشتیبانی تمامی نیروهای مترقی و صلحدوست از پایان جنگ ایران و عراق طلب گردیده بود. تظاهرات ملبورن با سخنرانی یک انقلابی پناهنده از "فیجی" و نمایشگاه عکسی از کردستان و اثرات مخرب و ویران کننده جنگ ضد بشری بر کردستان ایران، عراق و ترکیه پایان رسید.

در فرانکفورت

تظاهرات سالانه عید پاک (استرن مارش) که بعنوان یکی از مهمترین آکسیونهای تودم‌ای جنبش صلح در آلمان اهمیت خاصی است، اسامال نیز با شرکت بیش از ۳۰ هزار نفر برگزار شد. شرکت کنندگان در این تظاهرات که از صبح روز و شنبه ۴ آوریل ۸۸ از مناطق مختلف شهر فرانکفورت و نیز از شهرهای حومه آغاز می‌گردد، کسرده بودند، در محل میدان شهرداری فرانکفورت اجتماع کردند. پارامی از موضوعات مهمی که سال به سال برای راهپیمایی عید پاک در فرانکفورت از سوی کمیته برگزاری انتخاب شد، نبود عبارت بودند از مسئله بیگاری و جنبش

کا هش ساعات کنار (۳۵ ساعت کار در هفته) و مسئله ادا نمودن مذاکرات خلع سلاح اتمی. زمین مسائل مربوط به کشورهای جهان سوم مسئله جنبش خلق فلسطین انتخاب شده بود. سخنرانان مراسم که در محل تجمع تظاهرات کنندگان سخنرانی نمودند در باره موضوعات فوق ویا مسائل دیگر سخن گفتند، از جمله نماینده سازمان آزادی بخش فلسطین عبداللہ فرنجی در سخنان خود که مورد استقبال قرار گرفت، به تشریح اوضاع فلسطین اشغالی و مواضع سازمان آزادی بخش

در کلن

هزاران تن از مردم صلحدوست کلن روز و شنبه ۴ آوریل در Neu Markt گرد آمدند تا تاندای صلح خواهی خویش را بگوش جهانیان برسانند. این افراد که از محلات مختلف راهپیمایی خویش را آغاز کردند، سرانجام ساعت ۲ بعد از ظهر در Neu Markt به هم رسیدند، همگی صداجانبی برای سلاحهای اتمی و مرکز را طلب کردند. این افراد همچنین خواستار قطع فوری جنگ ایران و عراق شدند. شرکت ایرانیان در این جشن چشمگیر بود.

ادامه از صفحه ۶

حزب "کمونیست" کومه‌له

آنست که حول این برنا مدیک جنبش ——— راه بیندا زند، حاصل اینکه، طرح مذکور بدون توجه به پایه اجتماعی جنبش دموکراتیک خارج زکشورو محدودبودن این جنبش به دفاع از مطالبات عام دموکراتیک با طرح دفاع از حکومت شورایی‌فا تحه هرنوع حرکت دموکراتیک — توده‌ای را خواننده است. این طرح در واقع چیزی جز تضعیف انجمن — های هواداران حزب "کمونیست" کومه‌له نیست. یعنی یک طرح سوپرکتاریستی، که بی‌اعتقادی این "حزب" را به توده‌ها و همچنین جنبش — دموکراتیک بخوبی عیان می‌سازد. این طرح یکی از بهترین نمونه‌های درهم‌ریزی مرزبندی‌نشکل‌های توده‌ای و تشکیل حزبی را نیز افشا می‌کند. بنا بر این در طرح آقای کشا و رز آنچه وجود ندارد طرح سازماندهی و به اصطلاح "سیج یک جنبش توده‌ای — دموکراتیک" است. و آنچه هست عبارت است از ایجاد دشمنی و برانگیزی در شکل‌های توده‌ای و در یک کلام فلج کردن مب — رزات دموکراتیک توده‌ای! مصادیق بارز چنین درکی در تاریخ جنبش دموکراتیک خارج ازکشور یعنی تجربه کنگفدراسیون که اولین قربانی جریسان سکتاریستی بود بخوبی نشان داده شد. امروز که حزب "کمونیست" کومه‌له این جنبش را بخاطر عدم طرح شعار "حکومت شورایی" مورد انتقاد قرار می‌دهد، در واقع انحراف اساسی کنگفدراسیون را تثویز می‌کند.

منتشر شده است



کمونیسم

علیه

سوسیال دموکراسی

ناناخلی

نامه‌های رسیده

حش هنگ می‌کند رگ شستا اصطلاح "نظام سرمایه داری وابسته" را بکار می‌برد. به لحاظ مفهومی معتقد نبودیم که این نظام است منفک و مستقل از نظام سرمایه داری.

تجدید وابستگی همواره وجوبی بود ما ست که ویژگی سرمایه داری ایران را توضیح می‌دهد. بدیهی است که امروز اصطلاح فوق را کما بهما زا و گنگ می‌باشد. مورد استفاده مترجمی د هیم، در مقاله مذکور نیز این اصطلاح در مجموعه مطالب نقل قول شد. ما ز نشریات در دوره نخست سازمان مآقرارد، که هدف از بازنگری آن آنها نشان داد. این حقیقت درست و نظرات ما بود، که چرا انقلاب ایران بعنوان یک انقلاب مداوم می — بایست فوراً چهارچوب‌های سرمایه داری را در هم می‌شکست و سیستم سوسیالیسم پیش می‌تاخت.

رفیق عزیز — سکوت

نامه‌های از شما به پست مرکزی برای دریافت نشریه رسید ما ست، ولی آدرس ثان همراه نبود ما ست. لطفاً طی یادداشتی آدرس ثان را ارسال کنید. متشکریم.

رفیق مسعود

نامه شما را همراه با برید روزنامه محلی و عکس از نظرات و ترجمه کامل قطعنامه ۹۸ شورای امنیت دریافت کردیم. ما در پیام کارگر شماره ۴ اخیراً یسن نظرات را قبلاً درج کردیم. از همکار شما صمیمانه سپاسگزاریم. بدین وسیله شما به پیام کارگر شماره ۱۴ را از اینک سمشهر با شتابه بجای لا سکو، لاکسو درج کرد ما ست، تصحیح می‌نمائیم.

رفیق مهران: نامه شما هم‌زمان با اطلاعیه فراخوان به نظرات و برید روزنامه‌ها در مورد حادثه حملات نازیست‌ها در سالروز به قدرت رسیدن فاشیست‌ها در آلمان به‌گاتینر (محل زندگی) پناهندگان در شریس هایم — آلمان فدرال بدستمان رسید. ما بدلیل اینکه در نشریه شماره ۴ اخیراً این حادثه درج شده بود، نتوانستیم مجدداً آن‌ها در پیام کارگر استناد کنیم، اما در واقعیت‌های مناسب دیگر از عکس‌ها و مذارک نوق استناد نخواهد شد.

خوانندگان ما از ساندویکن: رفیق عزیز ما شما را همراه با عکس از نظرات یا زده ما رس و قطعنامه‌ها دریافت کردیم. ما قبلاً خبر این نظرات را در پیام کارگر شماره ۱۶ درج کردیم و به‌خاطر لگری عاصری از گروه‌های اتحادیه کمونیست‌ها که قصد برهم زدن نظرات را داشتند اشاره کردیم، لذا از درج مجدد آن معذوره‌ستیم.

رفیق با نام بهرام با اشاره به مقاله ما نسبت ۲۲ بهمن مندرج در پیام کارگر شماره ۱۳ سؤال کرد ما آیا طرح این‌اید که: "استراتژی و تاکتیک انقلاب ما یکبار بدست توده‌ها در کوجه و خیا بان و کارخانه‌ها و روستاها، تحقیق یافت" یا وجود یک دولت ارتجاعی چون جمهوری اسلامی گرا هکنند و متناقض نیست؟ همچنین در همین مقاله به نقل از نشریه ما کارگر در اول شماره ۱۱، مفهوم "نظام سرمایه داری وابسته" بازگو شد ما ست. آیا هم‌کنون نیز این اصطلاح مورد قبول شما ست؟

پاسخ هیئت تحریریه

رفیق بهرام عزیز، ما فکرمی‌کنیم پاسخ سؤال اول شما را می‌توان در همان مقاله یافت و جای‌نگرانی برای ایجاد این تلتی که آیا جمهوری اسلامی یک دولت ترقی — خوا ما ست وجود ندارد. بخصوص وقتی ما با نقل قولی از راه کارگر شماره ۱۱ روی شکست انقلاب انگست — گشتایم. اما در رابطه با مفهوم تحقیق یا فت — ن استراتژی و تاکتیک انقلاب، ما در یک پاراگراف پائین تر اولاً محتوای مشخص این استراتژی را که شامل "پیدایش شورا‌های کنترل کارگری در کارخانه‌ها، مصاد رساختمان های دولتی و متعلق به سرمایه داران توسط زحمتکشان مصاد رزمین‌ها بدست دهقانان و روستائیان فقیر، مصاد ره‌پادگان‌های نظامی و مراکز پلیس و تسلیح توده‌ها کنترل ادارات و سازمان‌های دولتی توسط کارمندان و کارگران به شکل شورایی می‌شود را بر شمرده ایم و تا نیسا با صراحت گفته ایم "اما این استراتژی به علت عدم وجود حزب طبقه کارگر تا اوم نیافت و در نتیجه متوقف شد". بنا بر این کاربرد اصطلاح "تحقیق یا فتن استراتژی"، برای نشان دادن واقعیت اهداف و وظایف انقلاب و چگونگی پیش‌برده شدن آن توسط توده‌ها مورد نظر بود ما ست.

رویکرد ما به تجارب عملی توده‌ها و آنچه به وسیله آنها در خیا بان‌ها در یک دوره مهم از تحولات تاریخی جامعه ما، یعنی دوره انقلاب بهمن، از اینجا ناشی می‌شود که معتقدیم برای سنجش برنام‌های طبقات مختلف هیچ معیار و معیار محکم و مدلی جز آنچه در عمل میلیون‌ها انسان تجلی پیدا کرد وجود ندارد. و ما کمونیست‌ها امروز این شانس برخورد داریم که برای اشیات برنام‌ه خود می‌توانیم تجربه انقلاب بهمن تکیه کنیم، زیرا این تجربه بهترین وجهی حقانیت مواضع طبقه کارگر نسبت به انقلاب ایران به ثبوت رساند ما ست. این انقلاب، یلنا انقلاب حقیقتاً خلقی بود، یعنی انقلابی که خود توده‌ها آن را با شعارها، پشان و کوشش‌هایشان ساختند. معبد این جوان‌های اولیه قدرت نوین چندان نیاید و با تسلط رهبری روحانیت پزمرده شد و از میان برخاست.

و در مورد سؤال دوم شما، باید اظها رکرد که ما

از زندان های جمهوری اسلامی .

معمربان در اسارت سخن برآمده های

راه پوی صدای کارگر



صدای کارگر

راه پوی سازمان کارگران انقلابی ایران اداره کارگرا

- ★ برنا مه صدای کارگر هر شب ساعت ۶ روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متربرابر یا ۴ مگا هرتز پخش می گردد .
- ★ این برنا مه ساعت ۹ همان شب ساعت ۶ صبح روز بعد مجدداً پخش می گردد .
- ★ جمعه ها برنا مه ویژه پخش می شود
- ★ ساعت و طول موج صدای کارگر را به خاطر بسپارید ؛ ساعت پخش و طول موج صدای کارگر را به هر وسیله ممکن به اطلاع کارگران و زحماتکشان برسانید و آنان را به شنیدن صدای کارگرم دعوت نمائید !

...
دل

تخته بخون

...

شده بودند تا این دو عاشق وفا دار در دفرق را تجربه کنند . رفیق یعقوب سرانجام به وصال با خود رسید اما ۳ روز بعد از ازدواجش دستگیر شد . می گفت : "محبوب مهربانم الحظله ای فراموش نمی کنم ، راستی که در فراق اومی سوزم ، اما او با من هم عقیده است که عشق به خلق آتشین تر برشکوه تر و پراورش ترا ز هر نوع عشقی است ، اومی - دانند که من به عشق او به عشق بزرگم وفا دارم و راهی را که می روم نشانگر وفا داری است ."

اگرچه ما را از نیمه راه ، مرتدان و خائنین ، در رابطه با فعالیت های رفیق یعقوب در کنگر و کردستان همه چیز را گفته بودند ، اما او استوار و مستحکم در برابر دشمنان است و حتی گفته های مرتدان را انکار می کرد !

پس از آزادی از زندان خبرشادت او را دریافت کردم . یعقوب به یاس و فاداری به عشق بزرگش ، استوار و حماسی با قلبی آتشین و ملامت از عشق به خلق و کینه به دشمنان خلق ، پس از تحمیل قهرمانانه ، ما هیا شکتجه های و حشبانه جسمانی و روانی در برابر جوجه تیرباران ایستاد و با خون پاک و سرخن پیاپی را که دوست می داشت ، رقم زد : "مردان کینه ، مردان عشق اند ."



در سکوت مرگبار رسولول ، صدای نفسهای تندش از خواب بیدارم کرد ، پرسیدم : یعقوب چته ؟ آرا ما صدا می که صلابت همیشگی اش را ندانست ، گفت : چیزی نیست ، بگیر خواب !

با آکا های از اینک به بیماری قلبی دارم فکر کردم که برای اش اتفاقی افتاده ، به سراغش رفتیم ، نیمه جان در گوشه ای از سلول بخود می بیچید ، برک با زجوشی اش ، که می با یست صبح تحویل با زجو می داد ، بو شیده از خون بود و پارچ آب سلول پراز خون ، در کنار یکدیگر نیمه جان قرار داشت ، آرا ما با چهره های خندان زمزمه کرد : چیزی نیست ، برگ دستم رازدم ، اما حیف ...

تاریکی و بی حالی ناشی از خوردن قرص های خواب آور ، مانع از آن شده بودند تا بتوانند بطور عمیق رگ دستش را پارها کنند ، بدون آنکه دژخیمان متوجه اقدام او شوند خونریزی اش را ببند آورده ایم و برای مدتی در شرایطی سخت به مراقبت از او پرداختیم ، یعقوب از این رویداد جان سالم بدر برد . چریک فدائی خلق ، رفیق "یعقوب کوریتا شقاقتی همیشه عاشق بود . می گفت "به عشق زندگی ام را سپر کرده است ، عشق به خلق ، کینه به دشمنان خلق و عشق به محبوب " ! او هر هنگام که از کینه اش به رژیم خمینی و دشمنان خلق سخن می گفت ، تردیدی به خود راه نمی دادی که او به کینه اش نیز عشق می ورزد ، او به راستی تجلی عشق و کینه بود .

خاطره روزها می را که با بیکری بیمار ، خون - آلودوشیا خورده ، پس از تحمل ساعت ها شکنجه های وحشیانه جسمانی و روانی ، از عشق سخن می گفت ، فراموش نمی کنم ، او در آن شرایط سخت برای ما برشور و عاشقانه ز عشقش و از محبوب مهربانان می گفت و دژخیمان رژیم نیز با آکا های از وجود چنین عشق آتشینی با رها کوشیدند تا او را وادار به ارتداد و خیانت کنند اما او هرگز به خواست پلید آنها گردن ننهاد . رفیق یعقوب نزدیک به ۵ سال بوده که در کنار رما رزه بی امان علیه رژیم جلا د خمینی ، در آتش فراق با می سوخت ، اختلافات خانوادگی سبب

ALIZADI
B.P. 195
75564 PARIS - CEDEX 12
FRANCE

آدرس پیام کارگر

POSTFACH
650226
1 - BERLIN 65
W - GERMANY

سرنگون باد جمهوری اسلامی !
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق !